

Support and financial independence of women in the family and its executive challenges by looking at verses and narrations

Abstract

Pre-Islamic women were deprived of any economic benefits, neither of inheritance nor of dowry, even of their own means. Islamic law has recognized women's right to own and possess their property for centuries. The independent case of women as one of the pillars of the family has a great impact on the economic situation of the family. On the other hand, this issue is one of the most challenging discussions about women's rights in Islam. What are our civic challenges? And do executive guarantees, both civil and criminal, meet women's financial protection and independence? Accordingly, this descriptive-analytical study examines the financial support and independence of women in the family and its executive challenges by looking at the verses, hadiths, jurisprudential laws and civil law of Iran. It can have a great impact on the growth and financial support of the family and contribute to the economic growth of society, but also builds self-confidence in women, and it has been concluded that in the Islamic legal system, there is a legal vacuum regarding women's financial support. It is not, and the constitution, civil law, and family protection law support it. However, in practice, executive guarantees are not strong enough for women, especially housewives and heads of households, to receive the minimum wages and benefits despite these protections.

Keywords: Support, Women's Financial Independence, Holy Quran, Narrations. Challenges

ماهنامه علمی (مقاله علمی_ پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،
 سال پنجم، شماره ۵۵، دی ۱۴۰۱، صص ۲۵۸۶-۲۵۵۴
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2021.312005.2532>

حمایت و استقلال مالی زنان در خانواده و چالش های اجرایی آن با نگاهی به آیات و روایات

زهرا بیگ زاده،^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

امیر حمزه سالارزائی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

نادرمختاری افراکتی^۳

چکیده

زنان پیش از اسلام از هرگونه بهره اقتصادی محروم بودند و نه از ارث بهره ای داشتند و نه از مهر، حتی از حاصل دسترنج خودشان هم محروم بودند، قوانین اسلام قرن‌هاست که حق مالکیت و تصرف زنان در اموالشان را به رسمیت شناخته است و آنها را در این مورد مستقل نموده است زن به عنوان یکی از ارکان خانواده، بر شرایط اقتصادی خانواده بسیار تاثیر گذار است، از طرفی این مبحث از بحث های چالش برانگیز در مورد حقوق زنان در اسلام می باشد و اینکه زنان در بحث حمایت و استقلال مالی شان به تناسب عصر امروز در جامعه مدنی ما با چه چالش هایی مواجه هستند؟ و آیا ضمانت های اجرایی اعم از مدنی و کیفری جوابگوی حمایت و استقلال مالی زنان هست؟ بر همین اساس این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی حمایت و استقلال مالی زنان در خانواده و چالش های اجرایی آن با نگاهی به آیات و روایات و قوانین فقهی و حقوق مدنی ایران پرداخته است. هدف این پژوهش ارتقاء شأن و منزلت معیشتی و معنوی زنان است که نه تنها می تواند در رشد و حمایت مالی خانواده تاثیر بسیار زیادی داشته باشد و به رشد اقتصادی جامعه کمک بکند بلکه باعث ایجاد اعتماد به نفس در زن هم می شود، و به این نتیجه رسیده است که در نظام حقوقی اسلام، در مورد حمایت مالی زنان، خلأ قانونی وجود ندارد و قانون اساسی و قوانین مدنی و قانون حمایت از خانواده، از آن حمایت کردند با اینحال در مقام عمل ضمانت های اجرایی، چندان مستحکم و قوی نیست تا زنان به ویژه زنان خانه دار و سرپرست خانوار علیرغم این حمایت ها، به حداقل آن حقوق و مزایا برسند.

واژگان کلیدی: حمایت، استقلال مالی زن، قرآن کریم، روایات، چالش ها

(دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران)^۱

(استاد تمام دانشگاه سیستان و بلوچستان گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، زاهدان، ایران)^۲

(استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، زاهدان، ایران)^۳

مقدمه

ظهور اسلام تحولی عظیم را در وضعیت زنان پدید آورد و نقش مهمی را در رساندن زنان به حقوق خود ایفا کرد. قرآن کریم در آیات متعددی به ذکر این حقوق پرداخته است که از جمله این حقوق، حقوق مالی زن است که قرآن این حق را برای زنان به رسمیت شناخته است و بیان می کند که اگر زن از طریق اشتغال و یا طرق دیگر مانند مهریه، ارث، ... صاحب اموالی شود در مالکیت آن استقلال کامل داشته و حق هرگونه دخل و تصرفی را در این اموال دارد. زنان از حقوق اقتصادی برخوردارند، ولی مسوولیت و تکلیف اقتصادی ندارند؛ یعنی در جایگاه همسری، مادری و دختری حقوق مالی خاصی به آنها تعلق می گیرد اما در ازای دریافت این حقوق مأمور به ادای تکالیف اقتصادی در قبال خویشان و اقارب نسبی و سببی نیستند. به علاوه نظام قانونگذاری اسلام به گونه ای است که موارد دریافت مالی زنان بیش از موارد دریافتی مردان است. پس این نظام حقوقی با نگرشی کلان، همه اجزای سیستم را در ارتباط متقابل لحاظ نموده و به کارکرد سیستم در راستای وصول به اهداف اساسی شریعت توجه کرده است. در متون شریعت اسلام به جایگاه والای زن در محیط خانواده تأکید شده است؛ خداوند متعال در قرآن کریم، مردان را به معاشرت نیکو با زنان سفارش میکند: وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ^۱؛ و با آنها به شایستگی رفتار کنید. روایات اسلامی نیز مردان را به نیکی کردن و حُسن معاشرت با همسرانشان سفارش نموده اند؛ پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي. بهترین شما کسی است که برای خانواده خود بهترین باشد و من برای خانواده ام بهترینم. (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۲).

جایگاه زن به حدی والاست که حضرت ولی عصر (عج) حضرت زهرا (ص) را مقتدای خویش می داند و می فرماید: " فِی ابْنَتِهِ رَسُولُ اللَّهِ لِي أَسْوَأُ حَسَنَةً " (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۵۳، ص ۱۸۰) امام خمینی (ره) درباره شخصیت زن در اسلام دیدگاه اهتمام برانگیز به زن می فرماید: " زن مبدأ همه سعادتها است. از دامن زن مرد به معراج می رود وزن مربی جامعه است، سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است، صلاح و فساد جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه بوجود می آید. (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی) اسلام به شکل بی سابقه ای جانب زن را در مسائل مالی و اقتصادی رعایت کرده است. چنان که از طرفی به زن آزادی و استقلال داد و حق قیومیت در معاملات زن را که در دنیای قدیم سابقه ممتد دارد و در اروپا تا قرن بیستم رایج بود، از مرد گرفته است، و از طرف دیگر با تامین هزینه زندگی او از سوی

۱- قرآن کریم، سوره نساء، آیه: ۱۹.

مرد، زن را از الزام به دویدن به دنبال پول معاف کرد (منزلت و حقوق زن، سیدابراهیم حسینی، تهران، ۱۳۸۹) حمایت‌هایی که در مورد زنان صورت می‌گیرند شامل: حمایت مالی زنان و حمایت غیر مالی زنان، می‌باشد.

۱. حمایت مالی زنان با استناد به آیات قرآن

حدود دویست آیه از قرآن در مورد زنان نازل شده است. آیاتی که در قرآن بر استقلال مالی و اقتصادی زنان دلالت دارند به سه دسته تقسیم می‌شوند: اول: آیاتی که زنان را مالک اموال و ارثی که بدست می‌آورند، می‌دانند. دوم: آیاتی که به مردم امر می‌کنند که اموال و دارایی زنان را به خودشان بدهند. و سوم: آیاتی که تصرفات خاص زنان را بیان می‌کنند.

دسته اول شامل: الف. درآمد و بهره ای که انسان با اراده و اختیار خود بدست می‌آورد: بر طبق آیه ۳۲ سوره نساء "هریک از زن و مرد از آنچه اکتساب کنند بهره مند میشوند....". زنان نیز مانند مردان اختیار اداره و تصرف در اموال خود را دارند. در این آیه از زنان بطور مستقل در کنار مردان نام برده شده است و زنان مانند مردان مالک دارایی‌هایی هستند که از تلاش خودشان بدست می‌آورند (مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۴) در این آیه از کلمه "اکتساب" استفاده شده که به معنای "به دست آوردن" است. و طبق نظر الراغب اصفهانی "اکتساب" به دست آوردن فایده ای است که انسان، خود، از آن استفاده می‌کند. (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴، ۴۳۱) و در این آیه زن و مرد را از آنچه که به صورت اختیاری مانند کسب درآمد و به صورت غیر اختیاری مانند ارث به دست می‌آورند، از یکدیگر جدا نساخته است. حتی از این آیه برداشت وسیع تری هم می‌توان داشت چنانچه یکی از مفسران از این آیه برداشت کرده است که زنان هم می‌توانند به تجارت مشغول شوند و به نسبت سعی و کوشش خود از نعم الهی بهره مند شوند. (العلوی الحسینی الموسوی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۵۲) بنابراین در منظر دین مبین اسلام بر خلاف حقارت زن در برخی ادوار تمدنی، زن از استقلال کامل اقتصادی برخوردار است. و بدین ترتیب اسلام با به رسمیت شناختن استقلال اقتصادی زن به محرومیت‌های دیرین وی در این خصوص پایان داد. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه بالا می‌گوید: اگر مرد یا زن از راه عمل، چیزی به دست می‌آورد خاص خود اوست... از اینجا روشن می‌شود که مراد از اکتساب در آیه، نوعی حیا و اختصاص دادن به خویش است اعم از اینکه این اختصاص دادن، به وسیله عمل اختیاری باشد، نظیر اکتساب از راه صنعت یا حرفه یا به غیر عمل اختیاری، اما سرانجام به صفتی منتهی می‌شود که داشتن آن صفت باعث این اختصاص شده باشد... و معلوم است که هر کس، هر چیزی را کسب کند از آن بهره ای خواهد داشت و هر کسی هر بهره ای دارد، به خاطر اکتسابی بوده که کرده است (الطباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۵۲)

ب. ارثی که به زنان می‌رسد: بر طبق آیه ۷ سوره نساء، خداوند حکم ارث زن را در کنار حکم ارث مرد عنوان می‌کند. "برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی است؛ و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی است" در این آیه زنان همچون مردان مالک ارثی هستند که به آنان می‌رسد. در زمان جاهلیت رسومی بود که عملاً موجب محرومیت زنان از حقوق مالی می‌شد. یکی از این رسوم

به ارث رسیدن زن به عنوان همسر به وارث متوفی بود. که به دنبال نزول آیه ۱۹ از سوره نساء رسم مذکور درباره ارث زوجیت منسوخ گردید. در زمان جاهلیت نه تنها به زنان ارث داده نمی شد بلکه خود آنها را هم مانند سایر اموال متوفی به ارث میبردند. (بررسی فقهی حقوقی خانواده، مصطفی محقق داماد ص ۳۱۷) " ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها)، ارث ببرید! " و در مورد ارث زوجه از زوج نیز در آیه ۱۲ سوره نساء، خداوند احکام ارث زن و شوهر را بیان می فرماید: " و برای شما، نصف میراث زنانان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند؛ و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست؛ پس از انجام وصیتی که کرده‌اند، و ادای دین (آنها). و برای زنان شما، یک چهارم میراث شماست، اگر فرزندی نداشته باشید؛ و اگر برای شما فرزندی باشد، یک هشتم از آن آنهاست؛ بعد از انجام وصیتی که کرده‌اید، و ادای دین. و اگر مردی بوده باشد که کلاله [خواهر یا برادر] از او ارث می‌برد، یا زنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام، یک ششم است (اگر برادران و خواهران مادری باشند)؛ و اگر بیش از یک نفر باشند، آنها در یک سوم شریکند؛ پس از انجام وصیتی که شده، و ادای دین؛ بشرط آنکه (از طریق وصیت و اقرار به دین)، به آنها ضرر نزنند. این سفارش خداست؛ و خدا دانا و بردبار است. " روایاتی در مورد ارث زوجه بیان شده که عبارتند از: ۱. روایاتی هستند که راه تقسیم سهام زوج و زوجه را بیان می کنند از جمله: روایت محمد بن مسلم از امام باقر (ع): محمد بن مسلم نقل می کند که امام باقر (ع) فرمودند " به همراه مادر، پدر، پسر و دختر کسی ارث نمی برد، مگر زوج و زوجه و زوجی که همسرش فرزند نداشته باشد، کمتر از نصف نمی برد و زوجه ای که همسرش فرزند نداشته باشد، کمتر از یک چهارم نمی برد و وقتی آن دو فرزند داشته باشند، زوج یک چهارم و برای زوجه یک هشتم خواهد بود" (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۱۹۵) ۲. و عین اموال غیر منقول دارند از جمله: زراره از امام باقر (ع) نقل می کند که ایشان فرمودند: " زن از ترکه شوهر، از قریه و خانه و اسلحه و چهارپایان چیزی ارث نمی برد و از مال و فرش و لباس و اثاث خانه ارث می برد و دیوارها و درها و چوبها و نی ها قیمت می شوند و بعد حق زوجه از قیمت داده می شود (یعنی از عین ارث نمی برد) (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۲۰۵) و روایاتی که بر محرومیت زوجه از مکانهای مسکونی دلالت دارند و همچنین روایاتی که بر تفصیل بین زوجه ای که فرزند دارد و زوجه ای که فرزند ندارد، دلالت می کنند. ۳. روایاتی هستند که بر ارث زوجه از تمام ترکه دلالت دارند: روایت عبید بن زراره و فضل از امام صادق (ع) نقل شده که " به امام صادق (ع) گفتیم در مورد مردی که با زنی ازدواج می کند و بعد فوت می کند مهر همسرش چگونه می باشد؟ امام (ع) فرمودند: زوجه نصف مهر را می برد و از همه چیز ارث می برد و در صورتی که زوجه بمیرد نیز به همین صورت می باشد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۳۲۹) در مورد جمع بین روایات ذکر شده نظریه ای از طرف سید مرتضی مطرح شده است که این جمع، مقبول به نظر می رسد مبنی بر اینکه: زوجه از عین اموال منقول و قیمت تمامی اموال غیر منقول ارثی برد. ایشان مسئله ارث زوجه را همچون مسئله اختصاص قرآن و شمشیر به پسر بزرگتر می داند که اگر چه این اموال به پسر بزرگتر داده می شود اما قیمت این اموال از سهم الارث او کم می شود و در این مورد می فرماید " اگر چه رباع به زوجات داده نمی شود، ولی قیمت آن برای زوجه محاسبه می شود. (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴۷۳) دلیل سید مرتضی جمع بین عموم قرآن و روایات اجماع است با این توضیح که آیه قرآن را به ارث از قیمت حمل

کنیم و محرومیتی که در روایات و اجماع بیان شده بر محرومیت از عین زمین و اصول حمل می شود و در این صورت تخصیص کمتری دارد. (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۹، ص ۳۶۸) طبق ماده ۸۴۶ قانون مدنی در مورد ارث زن از شوهر چنین آمده است: "از جمله اشخاصی که به موجب سبب ارث می برند هریک از زوجین است که در حین فوت دیگری زنده باشند". بنابراین زن از شوهرش ارث می برد. و این ارث بردن زن از شوهر تنها در صورتی است که عقد دائم شده باشد. زیرا براساس ماده ۹۴۰ قانون مدنی زوجینی که ازدواج آنها دائمی باشد از یکدیگر ارث می برند. همچنین به موجب ماده ۹۴۳ قانون مدنی اگر مرد زن خود را طلاق بدهد و طلاق رجعی باشد اگر هریک از زوجین در طول مدت عدّه فوت کند از همسرش ارث می برد.

دسته دوم شامل: الف. مهریه زنان: ازدواج تنها یک قرارداد غیر مالی و اخلاقی نیست بلکه دارای برخی جنبه های مالی نیز می باشد. از جنبه های مالی ازدواج می توان مهر و نفقه را نام برد. در حقوق ما به تبعیت از فقه امامیه، زوجین از نظر مالی، استقلال کامل دارند. مهریه یا صدق، مالی است که زن با ازدواج مالک آن و مرد به دادن آن ملزم می شود. (حسین صفایی و اسدالله امامی، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۱۶۶) کلمه مهر در قرآن کریم به کار نرفته بلکه بعضا از واژه های معادل آن نظیر "صدق"، نحله، فریضه، أجر " استفاده شده است. (قرآن کریم سوره نساء آیه های ۴ و ۲۴ و سوره بقره آیه ۲۳۷) یکی از ارکان عقد ازدواج مهر می باشد. که در زبان فارسی به آن "کابین" می گویند. این تاسیس از مختصات مذهب اسلام بوده و در حقوق کشورهای غربی وجود ندارد. مهریه یک چیز ارزشمندی است که در ازای دریافت آن دختری مایل است با شخصی ازدواج کند. از نظر اسلام فردی که قصد طلاق همسرش را دارد باید تمام مهریه او را پرداخت کند. (الغزالی، محمد، المرأة فی الاسلام، ۱۴۳۲ق، ص ۶۴) خداوند در «قرآن کریم» به این موضوع امر فرموده داده است: "و مهریه زنان را با رضایت و نیکی کامل نسبت به آنها بپردازید، بنابراین اگر آنها از روی لذت و رضایت چیزی از مهریه خود را به شما بخشیدند، از آن برخوردار بشوید که این امر برای شما حلال و پسندیده خواهد بود" ^۲ (الغزالی، محمد، المرأة فی الاسلام، ۱۴۳۲ق، ص ۶۴) در تفسیر این آیه آمده است: مهرهای زنان را به عنوان عطیه ای از جانب خدا به آنان بپردازید چرا که خداوند استمتاع را بین زن و مرد مشترک قرار داده است و پس از آن برای زن در مقابل استتماعی که از وی می شود، مهری را به عهده زوج قرار داده است. (طبرسی، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۶۲) قرآن کریم در این آیه به سه نکته اشاره کرده است:

اولا: بانام "صدقه" یاد کرده است نه بانام "مهر". صدقه از ماده صدق است و بدان جهت به مهر صدق یا صدقه گفته می شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد است. بعضی از مفسرین مانند کشاف به این نکته تصریح کرده اند؛ همچنان که به گفته راغب اصفهانی در مفردات غریب القرآن علت اینکه صدقه را صدقه گفته اند این است که نشانه صدق ایمان است. ثانيا: با ملحق کردن ضمیر "هن" به این کلمه می خواهد بفرماید که مهریه به خود زن تعلق دارد نه

^۲ قرآن کریم، سوره نساء، آیه: ۴.

پدر و مادر؛ مهر مزد بزرگ کردن و شیردادن و نان دادن به او نیست. ثالثاً با کلمه "نحله" کاملاً تصریح می کند که مهر هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی و پیشکشی و عطیه و هدیه ندارد. (مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۴۱۸ق، ص ۱۸۶) همچنین در سوره بقره آیه ۲۳۷ آمده است: "و اگر زنان را پیش از اینکه با آنها تماس بگیری بطلاق بدهید در حالی که مهری برای آنها تعیین کردید، باید نصف آنچه را تعیین کردید به آنها بدهید، مگر اینکه آنها گذشت بکنند یا آن کسی که گره ازدواج به دست آنهاست آن را ببخشد و گذشا شما به پرهیزکاری نزدیکتر است و گذشت را در بین خودتان فراموش نکنید که خداوند بینا است نسبت به آنچه انجام می دهید." همچنین خداوند می فرماید: "و چگونه می توان آن را بازگرداند با اینکه بدنهای شما در تماس بوده و همسران شما هنگام ازدواج عهد وفاداری امانت را از شما گرفتند" (طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۴۰۱). همچنین خداوند می فرماید: «و اگر می خواهید به جای همسری که دارید همسر بگیرید، حتی اگر پوست گاوی پر از طلا به همسر اول داده باشید، نباید از آن چیزی پس بگیرید، چگونه و به چه مجوزی پس بگیرید، یک بهتان و گناه آشکار است.» (طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۴۰۱). البته دستور اکید اسلامی برگرفته از سنت نبوی این است که در میزان مهر زیاده روی نشود و مهر بیش از حد متعارف مایه کینه و دشمنی قلمداد شده است. میزان مهریه حضرت فاطمه زهرا (س) ۵۰۰ درهم بوده که مسلمین برای تأسی به پیامبر اکرم (ص) همین میزان را به عنوان مهرالسنة فاطمه زهرا (س) قرار دادند. (قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه زهرا از ولایت تا شهادت، مترجم دکتر حسین قزوینی، ص ۱۵۵) عقد ازدواج چه به صورت دائم و چه منقطع نمی تواند خالی از مهر باشد و فقط ممکن است نوع آن تفاوت کند. فرق ازدواج موقت با دائم از لحاظ مهر در این است که اگر در ازدواج دائم مهر ذکر نشود یا عدم مهر شرط شود موجب بطلان عقد نمی گردد، ولی در ازدواج موقت وفق ماده ۱۰۹۵ ق.م. عدم ذکر مهر موجب بطلان است. (دیانی، عبدالرسول، حقوق خانواده: ازدواج و انحلال آن، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹) در تعریف مهر گفته شده عبارت است از "مال معینی است که بر سبیل متعارف زوج به زوجه در عقد ازدواج می دهد و یا به نفع زوجه بر ذمه می گیرد" (جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق ذیل واژه مهر) از نظر تحلیل عرفی و بعضاً حقوقی، مهر تنها ما به ازای استمتاع نیست بلکه به نظر ما علاوه بر عنوان نوعی هدیه داشتن میتوان آن را به گونه ای "شرط جزایی" یا "وجه التزام" محسوب نمود. چنانچه از آیه ۴ سوره نساء "وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً..." و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا عطیه)، به آنان بپردازید" نیز چنین استنباط می شود یعنی مهریه زنان را از باب پیشکش و هدیه به آنها بدهید. یعنی آینده انحلال این عقد که قانون آن را به دست مرد قرار داده است در ضمن عقد ازدواج تنظیم می گردد. زن می پذیرد و آگاه بر اینکه حق طلاق به دست مرد است نسبت به تعیین میزان مهر خود اقدام می نماید. از این رو قاعدتاً در صورت طلاق زن توسط مرد، علاوه بر مهر، زن مستحق چیزی نیست مگر اینکه شروط دیگری در ضمن عقد، آینده انحلال این عقد را پیش بینی نماید. مثلاً شرط شود که مرد در صورت طلاق دادن بدون عذر موجه زن، مالی را علاوه بر مهر به وی بدهد. از آنجا

۳- قرآن کریم، سوره نساء، آیه: ۲۱.

۴- قرآن کریم، سوره نساء، آیات: ۲۰، ۲۱.

که یکی از اسباب پیدایش دین ، عقد ازدواج است ، در اثر عقد ، زوجه ، مالک مهر مورد توافق طرفین می شود . (دیانی ، عبدالرسول ، حقوق خانواده : ازدواج و انحلال آن ، ۱۳۸۷ ، ص ۱۷۰) در مقابل در حقوق برخی از کشورها مثل آمریکا و فرانسه بعد از عقد بین زوجین یک نحوه شرکت مدنی به وجود می آید . در ماده ۱۱۱۸ ق.م ما تصریح شده که « زن مستقلا می تواند در دارایی خود هر تصرفی را که میخواهد ، بکند » به هر حال در این وضعیت استقلال مالی هر کدام از زوجین بایستی تکلیف هزینه های امرار معاش خانواده و فرزندان را معین نمود . (حقوق خانواده ، دکتر عبدالرسول دیانی ، ۱۳۸۷ ، ص ۱۶۸) روایات متعددی در خصوص اهمیت و جایگاه مهریه ، ضرورت تعیین آن در عقد نکاح ، الزام مؤکد حقوقی و اخلاقی به پرداخت آن ، آثار دنیایی و آخرتی ناشی از تسامح و بی مبالاتی در ادای آن ، بر حذر داشتن مردان از بی توجهی و تزییع مهریه و در مواردی با سفارش به بخشش آن از سوی زن با هدف ارتقای علایق مشترک ، تعمیق عشق و محبت و تحکیم و تثبیت کانون خانواده وارد شده است از جمله : ۱. پیامبر اکرم (ص) فرمود : خداوند هر گناهی را در روز قیامت می بخشد ، مگر گناه عدم پرداخت مهر زن را (الحر العاملی ، ۱۴۱۳ هـ ، ج ۲۵ ، ص ۲۶۷) . ۲. حضرت علی (علیه السلام) فرمود : «سزاوارترین شرطی که وفای به آن لازم است ، پرداخت چیزی است که به واسطه آن زنان را بر خود حلال کرده اید» (مهریه) (الحر العاملی ، ۱۴۱۳ هـ ج ۲۵ ، ص ۲۶۷) . ۳. امام صادق (ع) فرمود : کسی که مهری را برای همسرش معین کند اما نیت پرداختن آن را نداشته باشد به منزله سارق است . (الحر العاملی ، ۱۴۱۳ هـ ج ۲۵ ، ص ۲۶۷) صاحب جواهر در شرح شرایع می گوید: «مهریه در جهت کمی و در جهت بسیاری، اندازه ندارد؛ بلکه هر چه زن و شوهر بدان توافق داشته باشند مجاز خواهد بود. این نظر حتی زیادی مهر، اجماعی یا قریب به اجماع است و نیز، زن می تواند پیش از دریافت مهریه خویش، تقاضای همسر خویش را اجابت نکند» (النجفی، بی تا، ص ۱۳). در قانون مدنی ایران در مورد مهر تعریفی ارائه نشده است . اما در کتب حقوقی در تعریف مهریه ، به توافق مالی زن و مرد در ازدواج دائم و موقت گفته می شود که باعث ایجاد حق برای زن و تکلیف برای مرد در پرداخت مهر می شود . اما در ماده ۱۰۷۸ ق م آمده است : "مهریه عبارت است از مالی که به مناسبت عقد نکاح ، مرد ملزم به دادن آن به زن است "

چالش های مهریه زنان

یکی از چالش برانگیز ترین مباحث حقوق زنان در ایران موضوع « مهریه » است . چالش های قانونی پیش روی زنان برای استفاده از مهریه به عنوان تنها ابزار موثر و مطمئن این سوال را بوجود آورده که آیا با اجرا گذاشتن مهریه و طلب آن و همچنین تعیین مهریه های سنگین از سوی زنان می تواند برای بهبود وضع زنان به عنوان تضمین ، موثر باشد؟ بر طبق قانون حمایت از خانواده مهریه زن هر چقدر هم که باشد مرد موظف است تا ۱۱۰ سکه را به زوجه بپردازد و پرداخت بیش از این وابسته به استطاعت مالی زوج دارد . (روزنامه جوان « جوان آنلاین » ، چالش مهریه را قبل از عقد درمان کنید ، آبان ۱۳۹۹) یکی از اعتراضات اصلی به فعالان حقوق زنان ، اجرای قوانین مربوط به مهریه و زندانی شدن مردان به دلیل عدم پرداخت آن می باشد . طبق آمار قوه قضائیه ۲۰۴۴ نفر به دلیل ندادن مهریه در زندان هستند از نظر رئیس کمیته صیانت از خانواده سخت گیری و زندانی شدن مردان در خصوص مهریه موجب تاخیر در ازدواج و عدم تمایل زنان و مردان

برای تشکیل خانواده می‌شود. برطبق ماده ۵۳ لایحه حمایت از خانواده اگر مرد نفقه همسر و فرزندان یا پدر و مادرش را نپردازد، آنها می‌توانند از او شکایت کنند و سه مجازات برای او در نظر گرفته شده است ابتدا بازداشت و بعد حق طلاق برای زوجه و در آخر حق برداشت از اموال مرد می‌باشد. از طرفی از نظر کارشناسان، در صورت حذف مهریه نگاه حمایتی از زنان به چشم نمی‌خورد. سوالی که از قانونگذار باید پرسیده شود این است که چه چیزی در قوانین می‌تواند تضمین جدی برای زنان بعد از طلاق باشد تا بتواند جایگزین مهریه باشد؟ در کشورهای غیر مسلمان زنان مهریه ندارند اما بعد از جداشدن احساس امنیت دارند زیرا از کمک‌های دولت برای زندگی مستقل برخوردار می‌شوند بنابراین به جای محکوم کردن زنان به اجرای مهریه، بهتر است به قانون مهریه و قوانین اجرایی دقت بیشتری بشود (دواچی، آزاده، چالشی به عنوان مهریه زنان، رادیو زمانه، مهر ۱۴۰۰). از طرفی موقعی که قیمت سکه بصورت تصاعدی بالا می‌رود این بنیان خانواده است که تحت تاثیر این امر قرار می‌گیرد و آمار زندانیان مهریه با بالا رفتن قیمت سکه، بیشتر می‌شود. بنابراین اجرای مهریه زنان از یک توافق بین زوجین خارج شده و به یک چالش فرهنگی تبدیل می‌شود زیرا از یک طرف مردان را به سمت زندان می‌فرستد و از طرفی زنان را از دریافت حق و حقوقشان محروم می‌کند و با این روند عمر زنان به دریافت مهریه شان نمی‌رسد به همین دلیل اخیرا بخشنامه‌ای به روسای دادگستری کل کشور ابلاغ شد که بر اساس آن به جای بازداشت زوج از طریق شناسایی اموال محکوم علیه اقدام کنند و چه بسا آزاد بودن زوج باعث بشود تا کاری پیدا بکند و بتواند مهریه زوجه را بپردازد در حالی که این قوانین می‌توانست طوری تنظیم شود که ضمن جلوگیری از زندانی شدن مردان، رسیدن به حق و حقوق برای زنان را نیز تامین بکند زیرا بخشنامه‌های جدید به دنبال این هستند تا راه رسیدن به مهریه را آنقدر برای زن سخت کنند تا زنان اصلا به دنبال آن نروند. (موحد، نعیمه، چالش‌های قوانین جدید در مورد مهریه، خبرگزاری فارس، گروه خانواده، آبان ۱۳۹۹) همچنین تضمین اصالت سکه‌های مهریه چالشی است که زوجین با آن سروکار دارند و علاوه بر بعد روانی، مشکلات دیگری را از قبیل کپی برداری از سکه جهت جلوگیری از تقلبی بودن آن به دنبال دارد. (تضمین اصالت سکه‌های مهریه جدید جوانان، خبرگزاری ایسنا، ۷ شهریور ۱۴۰۰) در سال ۱۳۸۰ عده‌ای از حقوق دانان و وکلای کانون وکلا، طرح و پیشنهادی راجع به تکلیف زوج به بیمه کردن زوجه و پرداخت حقوق ماهیانه‌ای منطبق بر قانون کار و ضوابط صندوق تامین اجتماعی ارائه کردند تا به عنوان جایگزین مهریه مورد بررسی قرار بگیرد اما به نتیجه نرسید. (جعفرپور، محمدهادی، آیا چوب قانون می‌تواند چالش مهریه را حل کند؟، شهریور ۱۴۰۰) نتیجه: آن چیزی که باید به آن توجه شود اصلاح و بازسازی قوانین است تا بتواند به زنان احساس امنیت بدهد، امنیتی که تنها راه چاره آن تعیین مهریه‌های سنگین نباشد. بنابراین حل این مشکلات به عهده مجلس و وظیفه قانونگذاری این نهاد است. وقتی قانون تشخیص می‌دهد که زندانی کردن مرد برای مهریه درست نیست از آن طرف هم حتما می‌تواند تشخیص بدهد که طلاق بی‌قید و شرط از طرف مرد نیز تبعات زیادی برای زنان دارد.

وهریه می‌تواند یک پشتوانه و حمایت برای زنان مطلقه باشد. (موحد، نعیمه، چالش‌های قوانین جدید در مورد مهریه، خبرگزاری فارس، گروه خانواده، آبان ۱۳۹۹)

ب. **نَفَقَه زَنان** : نفقه اسم مصدر از فعل انفاق می‌باشد و شامل خوردنی، پوشیدنی و محل زندگی یا کاشانه زن می‌گردد. (دیانی، عبدالرسول، حقوق خانواده: ازدواج و انحلال آن، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸) طبق آیه ۷ سوره طلاق "آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند؛ خداوند بزودی بعد از سختیها آسانی قرار می‌دهد" عن ابی عبدالله (ع) قال : خمسۀ لا یُعطون من الزکوٰۃ شیئاً : الأب و الأم و الوالد و المملوک و المرأه و ذلک انهم عیاله لآزمون له . (وسائل الشیعه ، ۲۲۷/۱۵ ، باب الکتاب النکاح) در روایتی از امام صادق (ع) در مورد نفقه آمده است : از "امساک بمعروف" به "کف الأذى و احياء النفقه" یعنی اذیت نکردن زنان و پرداخت نفقه تعبیر شده است (حرعاملی ، ۱۴۱۲ ق ، ج ۱۵ ، ص ۲۲۶) استاد مطهری در مورد نفقه می‌گوید : زن اگر درآمد سرشاری هم داشته باشد و مرد درآمد کمی هم داشته باشد ، باز هم مرد باید بودجه خانوادگی و از آن جمله بودجه شخصی زن را تامین کند . و اگر از زیر بار وظیفه شانه خالی کند زن حق دارد به صورت یک امر حقوقی اقامه دعوا کند و در صورت اثبات از مرد بگیرد . (مطهری ، مرتضی ، نظام حقوق زن در اسلام ، ۱۴۱۸ ق ، ص ۲۰۵) همچنین می‌گوید : پس هر مردی باید نفقه همسرش را به اندازه ای که توانایی دارد بپردازد . در اسلام ، مرد موظف است تمام نیازهای مادی همسر خود مانند مواد غذایی ، پوشاک ، مسکن ، وسایل خانه و وسایل نظافت و غیره را تامین کند. منافع زنان بلکه منافع همسران و خانواده های آنها نیز هست. (مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۳). بنا براین نفقه حقی است که در صورت عدم نشوز به زن تعلق می‌گیرد . صاحب جواهر نفقه را چنین تعریف نموده است : « مایحتاج زن از جمله غذا ، البسه ، مسکن ، خادم و وسایل آشپزی که به طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد » (النجفی، بی تا، ج ۳۱، ص ۳۳۰) . از عبارت « مایحتاج زن » می‌توان برداشت‌های زیادی نمود اما آنچه معلوم است اینکه باید در حد رفع نیازهای زن باشد. مثلاً اگر تعدد خادم در یک زمان جزء نیازهای متعارف زوجه محسوب گردد، تأمین آن از سوی زوج واجب می‌باشد. و بر اساس عبارت « همه نیازهای متعارف » اگر تأمین هزینه درمان بیماری ، امری متعارف شود ، جزء نفقه قرار خواهد گرفت. البته ، اختلاف نظرهایی راجع به الزام مرد به تأمین نفقه در صورت تمکن یا عدم تمکن زن وجود دارد. امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید : " اگر منزلت زن به مرتبه ای برسد که داشتن خادم‌های متعدد برای زنان هم شأن او امری متعارف باشد پس وجوب تأمین آن بر زوج بعید نیست » (موسوی الخمینی ، ۱۴۰۳ ه ، ج ۲ ، ص ۲۸۲)

چالش‌های نفقه زنان

نفقه یکی از مسائل پر تکرار مناقشات میان زوجین چه در طول زندگی و چه در هنگام جدایی می باشد یکی از مباحث اصلی مربوط به این موضوع اثبات پرداختن نفقه توسط زوج است. از نظر حقوقی مطالبه نفقه توسط زوجه در قانون شامل این موارد است: در طلاق رجعی نود و یک روز عده برای زوجه است که شامل نفقه می شود همچنین در صورتی که زوجه در زمان طلاق باردار باشد که تا زمان فارغ شدن نفقه او برعهده زوج است همینطور در زندگی مشترک در صورتی که زوجه از این حق خود منع بشود. شهید مطهری معتقد است به دلیل زحمت و فرسایش تولید نسل و مسایل و بیماری های مربوط به آن که بر زنان است، توانایی کسب و کار در آنان کاهش می یابد. لازم و واجب است که زنان از این جهت مورد حمایت مالی قانون قرار گیرند. (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۲۰۸ و ۲۰۹) ذکر این نکته لازم است که اولاً- در پرداخت نفقه شأن و منزلت خانوادگی و اجتماعی زن ملاک و مبنای عمل است. ثانیاً- الزام به پرداخت آن، نسبت به تمکن و عدم تمکن مالی زن مطلق می باشد. بنا به حکم قانون و شرع، استحقاق نفقه امری است مداوم و در قالب زمان انجام می پذیرد ولی این تکلیف تا زمانی برعهده زوج است که زوجه تمکین داشته باشد. یعنی تعلق گرفتن نفقه به زن، منوط به تمکین وی از شوهر است. نفقه بر طبق ماده ۱۱۰۶ ق.م. برعهده شوهر است و از جمله قواعد امری محسوب شده یعنی حکم شرعی می باشد و لذا در ضمن عقد، شرط خلاف آن (شرط عدم پرداخت نفقه توسط زوج) نمی توان نمود. اصولاً ولایت مرد در خانواده نتیجه همین وظیفه پرداخت نفقه است، یعنی از آنجایی که مرد نفقه می پردازد، حق اعمال ولایت نیز دارد. پرداخت نفقه توسط مرد منوط به تمکین زوجه می باشد یعنی از نظر شرعی به صورت یک واجب مشروط، به ذمه مرد تعلق گرفته است. (دیانی، عبدالرسول، حقوق خانواده: ازدواج و انحلال آن، ۱۳۸۷، ص ۱۸۶) به همین دلیل در ماده ۱۱۰۸ ق.م. آمده: "هرگاه زن بدون مانع مشروع از آدای وظیفه زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود". لذا اگر زوجه بدون عذر موجه حاضر نشود با زوج خود در منزل مشترک زندگی کند یا در تشیید مبانی خانوادگی کوشا نباشد یا به خواسته های مشروع او در عدم معاشرت با دیگران بی اعتنا بماند، یا به تکلیف تمکین جنسی در مقابل شوهر اعتنا نکند، حق گرفتن نفقه را ندارد. همچنین به استناد ماده ۱۱۰۶ ق.م. از جمله حقوقی که با انعقاد نکاح دائم برای زن در نظر گرفته می شود، حق دریافت نفقه از شوهر است. بر طبق ماده ۱۱۰۲ ق.م. همین که نکاح به طور صحیح واقع شود، رابطه زوجیت بین طرفین ایجاد می شود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می شود. و بر طبق ماده ۱۱۰۷ ق.م. نفقه عبارت از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج می باشد. نفقه زوجه بر سایر بدهی های مرد مقدم است (تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، ماده ۵۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی و قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹) (صفایی و امامی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۳) در صورتی که زن از شوهرش تمکین می کند اما شوهر از دادن نفقه خودداری می کند، زن می تواند با مراجعه به دادگاه خانواده و طرح دعوی حقوقی برای گرفتن نفقه محکومیت شوهرش را به پرداخت نفقه از دادگاه بخواهد. و دادگاه بعد از بررسی ادعای زن حکم به پرداخت نفقه می دهد و در صورت نپذیرفتن

مرد و یا لجبازی کردن، زن می‌تواند درخواست طلاق بدهد و قاضی مرد را مکلف می‌کند تا او را طلاق بدهد. راه دیگر برای گرفتن نفقه، شکایت کیفری است که در این صورت با اثبات عدم پرداخت نفقه، مرد علاوه بر الزام به پرداخت نفقه به مجازات مقرر در قانون نیز محکوم می‌شود. برطبق ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی در صورتی که مرد با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را نپردازد دادگاه او را به سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌کند. (نفقه همسر و فرزندان و چالش‌های آن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، مهر ۱۴۰۰،)

ج. دستمزد شیر به زنان: بر طبق آیه ۶ سوره طلاق: "فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ" و اگر برای شما (فرزند را) شیر می‌دهند، پاداش آنها را بپردازید" این آیه نیز علاوه بر استقلال زنان دلالت بر مالکیت زنان نیز دارد. در مورد حق دریافت شیربها حمایت قانونگذار در اینجا به گونه‌ای است که حتی درباره‌ی یک سرمایه طبیعی چون شیر، برای مادر، حقوق مالی قرار داده و در آیه بالا می‌فرماید: «اگر حاضر شدند نوزاد خود را شیر دهند، بر شماست که اجرت شیردانشان را بدهید، چون اجرت رضاعت در حقیقت نفقه فرزند است، که بر گردن پدر است» همچنین در آیه ۲۳۳ سوره بقره آمده است: "مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد؛ حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد [هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید]. و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست!" از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: اگر زنی می‌تواند کودک را شیر دهد (دایه) حاضر بشود کودک را به مبلغی کمتر از مادر کودک شیر بدهد پدر کودک می‌تواند پدر می‌تواند کودک را برای شیر به دایه بسپارد البته مادر کودک بهتر است (وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۰-۴۷۱، باب ۸۱، من ابواب احکام الاولاد، ح ۱) مشهور در بین فقهای امامیه این است که مادر استحقاق اجرت المثل را برای شیر دادن به نوزاد دارد و می‌تواند آن را از اموال کودک در صورتی که دارای مال باشد و در غیر این صورت از پدر طفل در صورت توانایی مالی، دریافت کند (شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة، ج ۵، ۴۵۲-۴۵۳)

دسته سوم شامل: الف. بخشش زنان "هبه": برطبق آیه ۴ سوره نساء "فَإِنْ طَبِنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا" اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما بخشند، حلال و گوارا مصرف کنید" این آیه نشان دهنده

این است که مهر زنان ملک آنان می باشد و اگر زنان از مهرشان به شوهرشان بخشیدند یعنی آنها مجاز در تصرف اموالشان هستند و زن می تواند قسمتی از اموال خودش را به همسرش بخشش کند. (الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۵، ص ۲۴). ب. مصالحه زن با شوهر: برطبق آیه ۱۲۸ سوره نساء: "اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کند" این آیه در ارتباط با نشوز مرد است و در مواردی است که مرد راضی به ادامه زندگی با همسرش نیست. وزن می تواند برای راضی کردن او به ادامه زندگی بخشی از حقوق شوهرش را به او صلح کند (مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۶)

ج. عفو شوهر: برطبق آیه ۲۳۷ سوره بقره "و اگر آنان را، پیش از آن که با آنها تماس بگیری و (آمیزش جنسی کنید) طلاق دهید، در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید، (لازم است) نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنها بدهید) مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند" این آیه نیز نشان دهنده این است که زنان صاحب اختیار اموال خودشان هستند (نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۳۴). د. فدیة زن به شوهر: برطبق آیه ۲۲۹ سوره بقره "فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ إِنْ بَرْتَسِدُوا إِلَى اللَّهِ فَأْتُوا بِالْحَلَالِ بَعْدَ إِفْتَادِهِمْ بِحَدِّ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ" در این آیه به زن اجازه داده شده تا برای طلاق از شوهرش بخشی از اموال خودش را به شوهرش بدهد.

حمایت مالی زنان با استناد به روایات

الف. زراره می گوید: امام باقر فرمود: زنی که بالغ ورشید است، می تواند خرید و فروش کند و برده آزاد کند و شهادتش قبول است و مجاز به هرگونه تصرف در اموال خودش است. (تهذیب، ج ۷، ص ۳۷۸). ب. ابی حمزه از امام باقر (ع) پرسید: زنی حج واجب انجام نداده است و همسرش به او اجازه رفتن به مراسم حج نمی دهد امام فرمود: باید برود حتی اگر شوهر اجازه ندهد (اصول کافی، ج ۴، ص ۲۸۲) از این دو روایت مشخص می شود رفتن به حج واجب لازمه اش استطاعت است و لازمه استطاعت مالکیت و استقلال مالی می باشد. ج. "لَا يَجِلُّ مَالُ امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ إِلَّا بِطَيْبِ نَفْسِهِ". تصرف در مال شخص مسلمان بدون رضایت او جایز نیست. (وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۵۷۲، ابواب البیوع، باب ۹۰، ط آل بیت) (عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۲۲۲، ح ۹۹). د. بر اساس قاعده تسلیط: "النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ" این اصل تاکید بر این موضوع دارد که همه مردم حق دارند بر اموال خود مسلط باشند. و منظور از "النَّاسُ" همه مردم اعم از زن و مرد است. (بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۲۷۲، ط بیروت) "قاعده تسلیط" در فقه بیان می دارد که هر انسانی بر اموال متعلق به خود تسلط دارد و به هر صورتی که بخواهد می تواند در آنها تصرف کند و اشخاص دیگر نمی توانند مانع این کار شوند مگر در مواردی که وی شرعاً از تصرف در مال خود منع شده باشد. از این قاعده است که اصل «استقلال در تصرفات مالی» را برداشت نموده اند. مستند این اصل نیز آیه ۲۹ سوره نساء می باشد "ای کسانی که ایمان آورده اید در اموال یکدیگر به طریق باطل تصرف نکنید مگر اینکه این تصرفات به

واسطه تجارت و معامله ای باشد که با رضایت طرفین واقع می‌شود". و عنوان می‌دارد که همه مردم در تصرفات مالی خود از استقلال برخوردارند و از این حیث فرقی بین زن و مرد وجود ندارد. بر طبق مطالب ذکر شده مشخص می‌شود که زن نیز مانند مرد اختیار اداره اموال خودش را دارد و می‌تواند نسبت به آنها هرگونه تصرفی از جمله خرید و فروش و رهن و اجاره و مزارعه و هبه و... داشته باشد و در این موارد نیاز به اجازه از کسی و یا از شوهرش را ندارد. فقیهان امامیه نیز با در نظر گرفتن آیات و روایات، زن را در تصرف اموالش مستقل می‌دانند. شیخ طوسی می‌گوید: «با بلوغ دختر و رشد او، اموالش تحویل او می‌گردد و بر او جایز است که هر نوع تصرفی را در آن انجام بدهد، چه شوهر داشته باشد و چه نداشته باشد (طوسی، ج ۳، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۸۶) همچنین فقهای شیعه به این امر فتوا داده‌اند و گفته‌اند: زن بالغ رشید مجاز به هر نوع تصرف در اموال خودش است خواه شوهر داشته باشد و یا نداشته باشد (خلاف، ج ۳، ص ۲۸۵) همچنین شیخ مفید می‌گوید: «زن هنگامی که عقلش کامل شود و نظر استوار داشته باشد، در ازدواج و معاملات از قبیل خرید و فروش، تملیک و... خود او اولویت دارد (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۶) امام خمینی (ره) در این باره چنین می‌فرماید: "در نظام اسلامی زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن و حق رأی گرفتن در تمام جهاتی که مرد حق دارد زن هم حق دارد (آیین انقلاب اسلامی، ص ۳۰۵) استاد مطهری در مورد استقلال اقتصادی زن می‌گوید: "قرآن کریم سیزده قرن قبل از اروپا به زن استقلال اقتصادی داد با این تفاوت که: اولاً انگیزه‌ای که سبب شد اسلام به زن استقلال اقتصادی بدهد جز جنبه‌های انسانی و عدالت دوستی و الهی اسلام نبوده است. ثانیاً اسلام به زن استقلال اقتصادی داد اما به قول ویل دورانت خانه براندازی نکرد، اساس خانواده‌ها را متزلزل نکرد، زنان را علیه شوهران و دختران را علیه پدران به تمرد و عصیان وادار نکرد. اسلام با این دو آیه (نساء ۷-۳۲) انقلاب عظیم اجتماعی بوجود آورد. ثالثاً آنچه دنیای غرب کرد، این بود که به قول ویل دورانت زن را از بندگی و جان‌کندن در خانه رها کرد و گرفتار بندگی و جان‌کندن در مغازه و کارخانه کرد اما اسلام زن را از بندگی و بردگی مرد در خانه و مزارع و غیره رها کرد و با الزام مرد به تامین بودجه اجتماع خانوادگی، هر نوع اجبار و الزامی را از دوش زن برای تامین مخارج خود و خانواده برداشت. زن از نظر اسلام در عین اینکه حق دارد طبق غریزه انسانی به تحصیل ثروت و حفظ و افزایش آن بپردازد، به طوری هم نیست که جبر زندگی او را تحت فشار قرار دهد و غرور و جمال و زیبایی را از او بگیرد." (استاد مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۰۳) همچنین ایشان در مورد رعایت جانب زن در مسائل مالی در اسلام می‌گوید: "اسلام به شکل بی سابقه‌ای جانب زن را در مسائل مالی و اقتصادی رعایت کرده است. از طرفی به زن استقلال و آزادی کامل اقتصادی داده و دست مرد را از مال و کار او کوتاه کرده و حق قیمومت در معاملات زن را - که در دنیای قدیم سابقه ممتد دارد و در اروپا تا اوایل قرن بیستم رایج بود - از مرد گرفته است، و از طرف دیگر با برداشتن مسئولیت تامین بودجه خانوادگی از دوش زن، او را از هر نوع اجبار و الزام برای دوییدن به دنبال پول معاف کرده است." (استاد مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۰۸-۲۰۷)

اسلام حقوق مالی فراوانی را برای زن ثابت کرد و بر اساس این حمایت مالی، تمام دارایی های قانونی متعلق به زنان از قبیل ارث و مهر و نفقه، ملک زن می باشد و در انجام هرگونه تصرفی در آن صاحب اختیار است. برخلاف حقوق مالی شوهر که فرزندان او و همسر و پدر و مادربه عنوان افراد تحت تکفل، در مصرف آن شریک هستند و حتی با ضمانت اجرای کیفری، حق مطالبه از درآمدهای مالی او را دارند. بنابراین زنان هزینه کرد مالی ندارند اما مردان دارند با این توضیح مشخص می شود که استقلال مالی زنان بیش از مردان است. زیرا مردان مسئول تامین معاش و نفقه افراد تحت تکفل خود هستند و هزینه بهداشت و درمان و تامین مسکن و تغذیه و مسافرت و تهیه زینت آلات همسر و مستخدم برای همسر در صورت نیاز را بر عهده دارند.

حق حبس

در فقه تا زمانی که زن مهریه اش را دریافت نکرده باشد این حق را دارد که در برابر همسرش تمکین نکند از نظر مشهور در فقه، حق حبس دائر مدار نزدیکی است، اگر زن با اختیار به نزدیکی با شوهر رضایت بدهد حق حبس او ساقط می شود. حق حبس جنبه حمایتی از زنان دارد. از نظر فقها و حقوقدانان این حق از قواعد کلی و عمومی عدل و انصاف ناشی می شود که در عقد نکاح هم جاری است. فقها با عبارتهایی از جمله: "للزوجه الامتناع قبل الدخول حتی تقبض مهرها ان كان حالا" استفاده می کنند و حقوقدانان از جملاتی مانند: "چون مهر در عقد نکاح عوض است، بنابراین زوجه می تواند قبل از دریافت مهر از وظایف زناشویی امتناع کند." حقوقدانان معتقدند که این وظایف هم شامل تمکین خاص و هم تمکین عام می شود. از نظر فقهی منظور این ماده "وظایفی که زن در مقابل شوهر دارد" همان تمکین خاص یعنی آمادگی خود برای نزدیکی شوهر می باشد نه همه آنها (مراد از ایفاء وظایف مذکور در ماده ۱۰۸۵ ق.م.تمکین خاص است) لذا حق حبس موجب نمی شود که زن به خانه شوهر نرود و در انجام سایر وظایفی که قانون بر عهده وی گذاشته است، کوشا نباشد و در این موارد زن ناشزه محسوب نمی شود. از نظر حقوقی چون مهریه به نوعی عوض عقد نکاح است بنابراین زن می تواند قبل از دریافت مهریه از وظایف زناشویی خودداری کند. البته مهریه زن باید حال باشد یعنی مدت دار نباشد. و زن با این امتناع حق نفقه را از دست نمی دهد. اگر مهریه زن عندالمطالبه باشد اعسار شوهر و عجز او مانع استفاده زن از حق حبس نمی شود در صورتی که زوج از پرداخت مهر مُعسر باشد، حق حبس زن محفوظ خواهد بود (شهید ثانی، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، ۱۴۱۶ه.ق، ج ۱، ص ۴۲۱) اگر مهریه زن عندالاستطاعه باشد در صورتی می تواند از حق حبس استفاده کند که بتواند از شوهرش اموالی را معرفی کند. محقق داماد در کتاب

بررسی فقهی حقوق خانواده می گوید: " زن میتواند تا زمانی که مهر را دریافت نکرده باشد از سکونت در مسکن شوهرش خودداری کند و در اینصورت ناشزه به حساب نمی آید." صاحب جواهر در توجیه حق حبس زوجه اظهار می دارد: اگر برای زوجه حق امتناع نباشد ف وی متحمل عسر و حرج و ضرر می شود و ستم می بیند" (نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۳۱، ۱۳۷۴) در قانون مدنی هم این مورد ذکر شده است در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی آمده است: " زن می تواند تامهریه به او تسلیم نشده است از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط به اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود." همچنین در ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی آمده است: " اگر زن قبل از اخذ مهریه به اختیار خود به ایفاء وظایف در مقابل شوهر اقدام کند دیگر نمی تواند از حکم ماده ۱۰۸۵ استفاده کند اما حقی که برای مطالبه مهریه دارد ساقط نمی شود." از نظر مشهور فقها، اعسار زوج تاثیری در سقوط حق حبس زوجه ندارد. طبق نظر آیت الله صافی گلپایگانی در صورتی که مهریه حال باشد زوجه می تواند تمکین نکند تا مهریه را بگیرد ولو اینکه زوج معسر باشد. (گنجینه آراء فقهی قضایی: کد سوال ۷۹۵۸)

حق مسکن و تأمین منزل

از آنجایی که در کنار یکدیگر بودن زوجین یکی از ارکان اساسی تشکیل خانواده است، بر مرد واجب است که برای همسر خود مسکن مناسب تهیه کند و بر زن نیز واجب است در خانه ای که از سوی زوج تهیه می شود سکونت نماید. پس تعیین محل سکونت زن، با توجه به رعایت حال و شئون زن و قدرت مرد در تدارک منزل، با مرد است. که این وظیفه، به دوران عده در طلاق رجعی نیز مربوط می شود. خداوند در آیه ۶ سوره طلاق می فرماید: " آنها [زنان مطلقه] را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید؛ و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترک منزل شوند)؛" این آیه در مورد زنان مطلقه است اما در مورد تأمین مسکن برای زن مطلقه در مدت عده در طلاق رجعی است. مسکن یا کاشانه جایی است که زن در آنجا زندگانی خود را سپری می کند و آن باید متناسب با شأن زن باشد. حق انتخاب کاشانه، وفق ماده ۱۱۱۴ ق.م. با مرد است، مگر اینکه در هنگام انعقاد عقد ازدواج بین زن و مرد به گونه دیگری مقرر شده باشد. با این حساب، حق تعیین منزل خانوادگی به دست مرد، حکم شرعی نیست. حال اگر حق انتخاب مسکن به دست زن قرار داده شد زن نمی تواند در هر شهر و کشوری بنا به میل خود مسکن انتخاب نماید بلکه منظور از اختیار زوجه در انتخاب مسکن، انتخاب آن در شهر و کشوری است که محل زندگی و کار و اشتغال زوج باشد. (نظریه مشورتی اداره حقوقی دادگستری شماره ۷/۱۸۴۲ مورخه ۱۰/۳/۱۳۷۲) بنابراین اگر زوجه به میل خود شهر و کشور مزبور را ترک نمود، مستحق نفقه نمی باشد. هر چند قانون اختیار مسکن را بدست مرد قرار داده ولی وی نمی تواند در صورت تمکن از تهیه منزل مستقل، زن خود را وادار به زندگی مشترک با خانواده خود نماید و به اصطلاح از حق خود استفاده سوء نماید. به علاوه، حق انتخاب مسکن خانوادگی توسط مرد در صورتی است که بودن

زن و مرد در یک منزل، متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن نباشد و آلا زن می تواند در صورت بیم یکی از اینگونه خطرها، مسکن جداگانه اختیار کند. بنابراین در صورت ثبوت مَطَّنه (گمان) ضرر مزبور، محکمه، حکم به بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشت به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود. (ماده ۱۱۱۵ ق.م.ا.ز این رو، تازمانی که گمان ضرر نیز متفی نشده باشد، دادگاه حکم به برگشت زن به منزل شوهر نخواهد داد. به هر حال مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته، محل سکناى زن به تراضی طرفین معین می شود و در صورت عدم تراضی، محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین، منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتی که اقربایی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد (ماده ۱۱۱۶ ق.م.ا). البته هزینه این مسکن باید قاعدتا به عهده زوج باشد. چنین تصمیمی توسط دادگاه به صورت دستور موقت صادر می شود اما دراینکه آیا اساسا زن حق درخواست منزل مستقل را دارد یاخیر اختلاف است. برخی محاکم به استناد ماده ۱۱۰۶ ق.م.ا.ز این حق را برای زن محفوظ می دارند ولی گروهی وضعیت مالی زوج را درنظر می گیرند به نظر می رسد این امر تابع شأن زوج باید درنظر گرفته شود. (دیانی، عبدالرسول، حقوق خانواده: ازدواج و انحلال آن، ۱۳۸۷، ص ۱۸۹)

شرط تنصیف دارایی

تنصیف به معنی نصف کردن یا دونیم کردن می باشد. تنصیف یعنی نصف دارایی مرد در هنگام طلاق به زن تعلق می گیرد. تنصیف دارای شرایطی است از قبیل: الف) درخواست طلاق از طرف زوج باشد. ب) نشوز نباشد. ج) در عقدنامه ذکر شده باشد. د) این شرط شامل اموالی است که زوج بعد از ازدواج بدست آورده باشد. ه) شرط تنصیف از مستثنیات دین هم میتواند باشد در حالی که در مورد مهریه اینطور نیست. و) این شرط شامل طلاق توافقی و طلاق از جانب زوج نمی شود. ز) در صورتی که زوج ثابت کند که طلاق در اثر سوء رفتار و سوء معاشرت یا تخلف زن از وظایفش در قبال زوج باشد، این شرط شامل زوج نمی شود. ح) در صورتی که این شرط در سند ازدواج به امضای زوج و زوجه رسیده باشد. شرط لازم برای اجرای این شرط موجود بودن اموال حین طلاق است شرط تنصیف دارایی زوج برای مرد الزام آور نیست مگر آنکه آن را قبول کرده باشد. (شیروی، عبدالحسین، حقوق خانواده، ص ۱۸۹) در ماده ۱۱۱۹ ق م آمده است: "زن می تواند در هنگام عقد نکاح هر شرطی را که مخالف با مقتضای عقد نباشد، اعمال کند" یکی از این شروط شرط تنصیف دارایی است که در سال ۱۳۶۲ به منظور حمایت مالی زنان مطلقه و جبران کاستی های قانون بصورت چاپ در قباله ازدواج شد. همچنین از بین قواعد فقهی قاعده تسلیط و قاعده شرط را میتوان مبنای شرط تنصیف دانست. در قانون جهانی اگر زمانی ازدواج خاتمه پیدا کند قانون این است که سرمایه خالص به طور مساوی بین زوجین تقسیم می شوند و و فرقی نمیکند که چه کسی هزینه خرید آنها را بپردازد اما در ایران تنصیف اموال فقط شامل زوج می باشد و شامل زن نمی شود. (تقسیم اموال در طلاق توافقی و حق طلاق زن، اقتصادنیوز) نتیجه اینکه

وجود شرط تنصیف می‌تواند آثار زیر را به دنبال داشته باشد: امنیت بخشیدن به زندگی زناشویی، تقویت رابطه زناشویی، تحکیم روابط خانوادگی، کاهش آمار طلاق.

اجرت المثل کارهای زن در منزل شوهر

اجرت المثل یعنی کارهایی که زن در منزل شوهر انجام می‌دهد. یکی از مسائل بحث برانگیز در دو دهه اخیر مسئله استحقاق زن برای اجرت کارهایی است که در منزل انجام می‌دهد، به عنوان یکی از حقوق مالی وی محسوب شده است. این مسئله ابتدا در سال ۱۳۷۰ در مجلس شورای اسلامی مطرح گردید. در ماده واحده مقررات مربوط به طلاق این سال که یک سال بعد در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید، قانونگذار، زن را مستحق اجرت المثل دانست ولی این ماده قانونی به شیوه‌ای تنظیم شد که مطالبه چنین حقوقی منوط به رعایت شرایطی گردید از جمله این شرایط: عدم وجود شرط در ضمن در خصوص حقوق مالی زوجه (مثل شرط تنصیف دارایی) عدم تصالح زوجین و نیز عدم خطای زوجه بود. وجود این شرایط این گمان را به ذهن متبادر می‌ساخت که گویا اگر پای طلاق به میان نیامده باشد زن استحقاق چنین اجرتی را ندارد حال آنکه با استناد به شرع و نیز ماده ۳۳۶ ق.م، این استحقاق می‌توانست وجود داشته باشد. بالاخره قانونگذار برای رفع این شبهه در اواخر سال ۱۳۸۵ با اضافه نمودن تبصره‌ای به ذیل ماده فوق چنین حقی را برای زوجه قائل شد. بدیهی است این حق فارغ از این است که پای طلاق به میان آمده باشد یا نه. ماده فوق مقرر می‌دارد: "چنانچه زوجه کارهایی را شرعاً برعهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت المثل باشد به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده است و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌کند" (دیانی، عبدالرسول، حقوق خانواده ازدواج و انحلال آن، ۱۳۸۷، ص ۲۰۰-۱۹۹). وفق این ماده، مطالبه اجرت المثل منوط به شرایطی شده است که ذکر میشود: اولاً و بنا به فرض اولیه استحقاق زن نسبت به اجرت المثل، انجام کار نوعاً مأجور است که زن در منزل شوهر انجام داده است. بنابراین اگر ثابت شود همه کارهای منزل به عهده خادم (نوکر یا کلفت) بوده که به هزینه مرد در خدمت خانواده بوده، یا اینکه اساساً زن در منزل شوهر کاری انجام نداده، طبعاً استحقاقی برای زن متصور نیست. ثانیاً باید کار نوعاً مأجور باشد کار نوعاً مأجور دارای دو شرط است: شرط اول اینکه باید کار مربوط، در حیطه وظایف قانونی زن نبوده باشد. ثالثاً اعمالی را که انجام داده بنا به امر شوهر و با عدم قصد تبرع (بخشیدن بدون تکلیف) بوده باشد. بنابراین اگر عمل نوعاً مأجور را رأساً و بدون تقاضای شوهر انجام دهد، استحقاقی ندارد اما شرط دیگر استحقاق این است که باید زوجه عمل را به "قصد تبرع" انجام نداده باشد و برای اثبات عدم قصد تبرع به امارات و قرائن توجه می‌شود یعنی با قیام اماره تبرع، نوبت به اصل عدم تبرع نمی‌رسد. اگر زوجین در مدتی که از ناحیه زوجه مطالبه اجرت المثل می‌شود، زندگی مسالمت آمیزی داشته باشد، نمی‌توان با تمسک به اصل عدم تبرع زن را مستحق چیزی دانست

؛ زیرا داشتن زندگی مسالمت آمیز اماره تبرّعی بودن عمل می تواند تلقی گردد . اگر در ما نحن فیه اماره ای وجود نداشت نمی توان عدم تبرّع را مفروض دانست و بار اثبات تبرّع را بر دوش شوهر انداخت بلکه باید زوجه رأساً تبرّعی نبودن عمل خود را به اثبات برساند تا بتواند مستحقّ اجرت آن شود . برای تعیین میزان "اجرت المثل عمل" شأن زن ، ملاک نیست بلکه اجرت نوع عمل انجام شده ، مطرح است . اجرت المثل ذکور در این قانون تابع شأن مرد و تمکن مالی وی هم نیست . اما در امر احتساب اجرت المثل می توان عامل زمان و مکان را دخیل دانست . بنابراین اجرت المثل کار ارائه شده در گرما و سرمای زیاد یا در شرایط جوّی نامناسب از اجرت المثل شرایط عادی زیادتر می تواند باشد (دینی ، عبدالرسول ، حقوق خانواده: ازدواج و انحلال آن ، ۱۳۸۷ ، ص ۲۰۱)

حمایت از زن در طلاق رجعی

خداوند در آیه ۲۳۱ سوره بقره می فرماید : " و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به آخرین روزهای «عده» رسیدند، یا به طرز صحیحی آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده‌ای آنها را رها سازید! و هیچ‌گاه به خاطر زیان رساندن و تعدّی کردن، آنها را نگاه ندارید! و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است. (و با این اعمال، و سوء استفاده از قوانین الهی)، آیات خدا را به استهزا نگیرید! و به یاد بیاورید نعمت خدا را بر خود، و کتاب آسمانی و علم و دانشی که بر شما نازل کرده، و شما را با آن، پند می‌دهد! و از خدا بپرهیزید! و بدانید خداوند از هر چیزی آگاه است (و از نیات کسانی که از قوانین او، سوء استفاده می‌کنند، با خبر است)!" و در آیه ۲ سوره طلاق می فرماید : " و چون عده آنها سرآمد، آنها را بطرز شایسته‌ای نگه دارید یا بطرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه بگیرید؛ و شهادت را برای خدا برپا دارید؛ این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند ... " با توجه به آیات فوق چنین استنباط می گردد که شوهر ، در ارتباط با همسر خود باید یکی از دو روش را در پیش بگیرد یا حقوق همسرش را به طور کامل ادا کند (امساک به معروف) و یا او را مطابق مقررات شرع طلاق دهد (تسریح باحسان) و راه سومی وجود ندارد . همچنین در آیه ۶ سوره طلاق آمده است : " آنها [زنان مطلقه] را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماسست سکونت دهید؛ و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترک منزل شوند)؛ و اگر باردار باشند، نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند؛ و اگر برای شما (فرزند را) شیر می‌دهند، پاداش آنها را بپردازید؛ و (درباره فرزندان، کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید؛ و اگر به توافق نرسیدید، آن دیگری شیردادن آن بچه را بر عهده می‌گیرد. " خداوند در سوره بقره آیه ۲۲۹ می فرماید : " طلاق، (طلاق که رجوع و بازگشت دارد)، دو مرتبه است؛ (و در هر مرتبه،) باید به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود). و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده‌اید، پس بگیرید؛ مگر اینکه دو همسر، بترسند که حدود الهی را برپا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی برای آنها نیست که زن، فدیة و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد). اینها حدود و مرزهای الهی است؛ از آن، تجاوز نکنید و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است. " با توجه به آیات فوق چنین استنباط می گردد که شوهر ،

در ارتباط با همسر خود باید یکی از دو روش را در پیش بگیرد یا حقوق همسرش را به طور کامل ادا کند (امساک به معروف) و یا او را مطابق مقررات شرع طلاق دهد (تسریح باحسان) و راه سوم وجود ندارد. وقتی خداوند متعال در این آیات حکم می‌فرماید به لزوم بهره‌مند ساختن زنان مطلقه و بخشش به آنان قبل از طلاق و درحین طلاق و اینکه با نیکی و احسان آنان را رها بسازید بنابراین وقتی در هنگام جدایی چنین حکمی وجود دارد پس در زمان قبل از طلاق و در زمان صلح و آشتی چگونه می‌باشد. (المصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۱۴) علی بن حمزه می‌گوید: از امام کاظم (ع) در باره آیه ۱۲۸ سوره نساء پرسیدم ایشان فرمود: اگر اینگونه باشد و مرد بخواهد زن را طلاق بدهد وزن به شوهرش بگوید مرا نگه بدار و بعضی از مهریه و نفقه که برعهده تو است را می‌بخشم و روز و شب را که باید بامن باشی می‌بخشم. اینکار برای شوهرش حلال است گناهی برای آن دو نفر نیست (تفسیر اهل بیت (ع)، ج ۳، ص ۴۵۶ - الکافی، ج ۶، ص ۱۴۵ - وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۴۹ و ۳۵۰ - بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۵۲ - الکافی، ج ۶، ص ۴۵ - تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۱۰۳ - من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۲۰) امام صادق (ع) فرمود: مرد هنگامی که زن خویش را طلاق داد به او ضرر نرساند که عرصه براو تنگ شود و قبل از پایان یافتن عدّه آنجا را ترک کند زیرا خداوند عزّ و جلّ از اینکار نهی فرموده است (تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۱۶، ص ۳۶۲) (الکافی، جلد ۶، ص ۱۲۳) (وسائل الشیعه، جلد ۲۲، ص ۲۱۳)

حمایت مالی زنان از طرف بیت المال

الف. پرداخت نفقه به زنی که شوهرش غایب مفقود الاثر است: اگر زنی کسی را داشته باشد که در صورت مفقود الاثر شدن شوهرش نفقه او را بپردازد باید تا زمان پیداشدن شوهرش و یا خبر از مرگ او منتظر بماند. اما اگر کسی را نداشته باشد که خرجی او را بپردازد وزن نزد حاکم طرح دعوی نماید، حاکم در مورد همسر او جستجو می‌کند و به مدت چهارسال از زمان طرح دعوی جستجو ادامه پیدا می‌کند و بعد از این مدت، حاکم اقدام به طلاق زن می‌کند. و در این مدت اگر شوهر مالی داشته باشد حاکم از مال شوهر نفقه زن را تامین می‌کند اما اگر شوهر مالی نداشته باشد حاکم نفقه او را از بیت المال می‌پردازد. شهید اول در مورد نفقه زن در غیبت شوهرش می‌گوید: "امام باید در طول غیبت شوهر، نفقه زن را از بیت المال بپردازد" (مکی العاملی و الجبعی العاملی، بی تا، ج ۶، ص ۶۸)

ب. طلاق قضایی زن در صورت عسر و حرج: در قانون اسلام طلاق از اختیارات مرد است اما اگر مرد حقوق زن را رعایت نکند به گونه ای که ادامه زندگی زناشویی برای زن ممکن نباشد و موجب عسر و حرج زن بشود، زن این حق را دارد که از قاضی تقاضای طلاق کند و دادگاه می‌تواند در صورت احراز شرایط و تحقق عدالت حکم طلاق را صادر کند. خداوند در آیه ۲ سوره طلاق می‌فرماید: "فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ" و چون عده آنها سرآمد، آنها را بطرز شایسته‌ای نگه دارید یا بطرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید" همچنین در آیه ۲۲۹ سوره بقره در این مورد آمده است: "الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ" (طلاق)، (طلاق) که رجوع و بازگشت

دارد،) دو مرتبه است؛ (و در هر مرتبه،) باید به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود). در ادامه این آیه آمده است: "وَلَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ" و هیچ‌گاه به خاطر زیان رساندن و تعدی کردن، آنها را نگاه ندارید! و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است." بنابراین هرگاه نگهداری از همسر به نحوی باشد که باعث ضرر و زیان زن بشود مشروع نیست. خواه این ضرر ناشی از تقصیر اختیاری شوهر باشد از قبیل ترک انفاق و یا عدم حسن معاشرت و یا ورود ضرر قهری و غیر اختیاری مانند عدم قدرت بر انفاق. (سید علی علوی قزوینی، طلاق قضایی گامی موثر در احقاق حقوق زن ۱، رواق اندیشه، ۱۳۸۰، شماره ۱) با توجه به این آیه یکی از دلایلی که برای اثبات طلاق قضایی به آن استناد می‌شود، "قاعده لاضرر" است. در مورد طلاق اگر شوهر از انجام وظایف خودش نسبت به همسرش امتناع کند و الزام شوهر هم به اینکار ممکن نباشد در اینصورت قاضی می‌تواند حکم به طلاق قضایی بدهد. (الحلی، بی تا، ص ۵۷۶) بنابراین فلسفه حمایت مالی از زنان مطلقه این است که: وقتی زنی از شوهرش جدا می‌شود، مهریه و هدیه مناسب در کنار سایر حقوق مالی می‌تواند به زن کمک کند تا نیازمند کمک های مالی دیگران نباشد و خودش بتواند نیازهای مالی اش را برطرف سازد. از طرفی زنان با این کمک مالی از جانب دیگران مورد سرزنش قرار نمی‌گیرند و دچار افسردگی نمی‌شوند. در سوره احزاب آیه ۴۹ آمده است: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با زنان با ایمان ازدواج کردید و قبل از همبستر شدن طلاق دادید، عده‌ای برای شما بر آنها نیست که بخواهید حساب آن را نگاه دارید؛ آنها را با هدیه مناسبی بهره‌مند سازید و بطرز شایسته‌ای رهایشان کنید." صاحب جواهر نیز در این مورد می‌گوید: اکرام آنها با پرداخت هدیه مناسب به منظور جبران آثاری مانند شرمندگی و سبکی که به آنان رسیده، مناسب می‌باشد. (النجفی، بی تا، ج ۳۱، ص ۵۸) همچنین پرداخت این هدیه از طرف زن می‌تواند نوعی جریمه مالی برای مرد باشد به دلیل نقض عهد و پیمانی که بازن بسته است، بنابراین این هدیه تا حدودی می‌تواند ضرری را که متوجه زن شده است، جبران کند.

۲. حمایت های غیر مالی زنان

این حمایت ها شامل حمایت اجتماعی و روحی و روانی در مورد زنان خصوصا زنان سرپرست خانوار (زنان بی سرپرست، بد سرپرست و خود سرپرست) می‌باشد. این زنان بعد از بی سرپرست شدن عموماً در برابر یکسری از مشکلات قرار می‌گیرند که بزرگترین آنها یافتن سرپناهی مناسب، مشکلات اقتصادی و تامین معیشت خانواده است که این مشکلات بر وضعیت مسکن و تغذیه آنها تاثیر مستقیم دارد. بیکاری و نداشتن اشتغال نیز یکی از جنبه های مشکلات اقتصادی زنان است که این قشر را جزو آسیب پذیرترین اقشار جامعه قرار داده است و مشکلات روحی و روانی مانند افسردگی و اضطراب را در پی دارد. (علی نژاد، غزل، نقطه ایده آل حمایت از زنان بد سرپرست و بی سرپرست، معاونت امور زنان و خانواده، ۱۴۰۰) در بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روانی در زنان سرپرست خانوار صورت گرفته است مشخص گردید که هرچه زنان سرپرست خانوار از حمایت اجتماعی بیشتری بهره مند گردند از میزان سلامت

روانی بیشتری نیز برخوردار می‌شوند و احتمال بروز افسردگی و اضطراب در آنان کمتر خواهد شد (حمیدی، فریده، بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روانی در زنان سرپرست خانوار، ۱۳۸۹) مشکل دیگری که در زندگی این زنان نمود پیدا می‌کند، مشکلات اجتماعی است زیرا همیشه با نگرش منفی به این افراد توجه می‌شود و این مسئله باعث مخدوش شدن روابط اجتماعی و آسایش روانی از طرف جامعه نسبت به آنها می‌شود و به دلیل محدودیت حمایت دولتی و اجتماعی از زنان سرپرست خانوار، این دسته از زنان را به خطر فقر کشانده است. وضعیت آماری زنان بی سرپرست در ایران نشان می‌دهد هر ساله ۶۰ هزار زن بی سرپرست می‌شوند و در حال حاضر بیش از سه میلیون زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد و آمارها نشان می‌دهند که طی ده سال گذشته تعداد خانواده‌های زن سرپرست نسبت به مردان پنجاه و هشت درصد افزایش داشته است (تاج‌الدین، چه تعداد زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد، اخبارخانه ملت ف مرداد ۱۳۹۸) و بطور کلی از میان هفده میلیون و سیصد و پنجاه و سه هزار خانوار کشور، پانزده میلیون هفتصد و دوازده هزار خانوار سرپرست مرد دارند و یک میلیون و وششصد و چهل هزار نفر زن سرپرست هستند و طی ده سال گذشته تعداد خانواده‌های زن سرپرست با رشد پنجاه و هشت درصدی نسبت به رشد سی و هشت درصدی خانواده‌های مرد سرپرست افزایش بیشتری داشته است. بنابراین لازم است زنان تحت حمایت‌های ویژه قانونی قرار بگیرند، نقطه ایده آل حمایت از زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران دستیابی به ایجاد عدالت جنسیتی، امنیت شغلی و اکتساب درآمد برای خانوار ایرانی و اولویت حفظ نظام خانواده در برنامه ریزی جایگاه زنان در جامعه است بنابراین تصویب قوانین اجتماعی از جهت بیمه و دیگر خدمات رفاهی، ضروری به نظر می‌رسد. در این میان سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) می‌توانند بسیاری از اهداف خیرخواهانه مردمی و بشر دوستانه را به ثمر برسانند. هم‌اکنون بیشتر فعالیت‌های امدادی و خیرخواهانه در ایران توسط سازمان‌هایی از نوع دولتی و غیر دولتی صورت می‌گیرد از قبیل کمیته امداد امام، بنیاد شهید، جهاد سازندگی، بنیاد مسکن، جامعه زنان داوطلب بهداشت که در بدو تشکیل بصورت داوطلبانه بود و بعداً بصورت دولتی در آمد.

سازمان‌های مردمی کارکرد موثری در حل چالش‌های افراد آسیب پذیر از قبیل زنان و کودکان و بیماران دارند. این سازمان‌ها در تقویت بنیه اقتصادی زنان بی سرپرست و بد سرپرست توانسته‌اند در زمینه: اشتغال زایی از جمله مشاغل خانگی و صنایع دستی همچنین پرداخت تسهیلات قرض الحسنه به این زنان و تامین رایگان نیازهای ضروری آنها و ایجاد فرصت اشتغال برای آنها قدم‌هایی را بردارند. امروزه ۶۰ مرکز برای نگهداری و حمایت از زنان آسیب دیده در کشور فعالیت می‌کنند که به ارائه خدمات اجتماعی و روحی و روانی به زنان آسیب دیده و یا در معرض آسیب می‌پردازند. (علی‌نژاد، غزل، نقطه ایده آل حمایت از زنان بد سرپرست و بی سرپرست، معاونت امور زنان و خانواده، اردیبهشت ۱۴۰۰)

نکته بعدی در مورد زنان خانه دار است، مگر نه اینکه مادر محور خانواده می‌باشد و هرچقدر مادر از آگاهی و تدبیر و اندیشه بهره مند باشد این مسئولیت را بهتر انجام می‌دهد زیرا یک مادر خانه دار باید پرستار، روانشناس، آشنا به فنون تغذیه، امور مالی، هنرمند و مشاور باشد و این امور جز با افزایش آگاهی حاصل نمی‌شوند. از جمله سیاست‌های

حمایتی زنان اجرای طرح بیمه اجتماعی زنان است و این طرح از سال ۱۳۸۱ به صورت آزمایشی اجرا شد و در حدود پانزده میلیون زن خانه دار اعلام آمادگی کردند. براساس این طرح زنان خانه دار بیست تا پنجاه ساله می توانند با پرداخت پنجاه درصد حق بیمه ماهانه بیمه اجتماعی بشوند و مابقی توسط بهزیستی پرداخت می شود تا بعد از بیست یا بیست و پنج سال، زنان خانه دار بتوانند از مستمری برخوردار شوند. مسئله بعدی حق بازنشستگی و ازکار افتادگی زنان خانه دار است اما این طرح در سال ۱۳۸۴ متوقف شد درحالیکه تعداد زیادی از زنان خانه دار از آن استقبال کردند. (ندری ایبانه، فرشته، خانه داری، اشتغال و زنان ایرانی، ۱۳۸۵)

در جهت توانمند سازی روانی زنان سرپرست خانوار نیز می توان از فیلمهای آموزشی مانند آموزش بالا بردن اعتماد به نفس و اعتماد به دیگران است که می تواند توسط مددکاران و روانشناسان به این افراد ارائه شود، بهره گرفت. توانمندی روانی این افراد نیز از طریق خدمات مشاوره ای از طریق متخصصین و مشاوران، می تواند زنان را برای پذیرش مسئولیت های شغلی و اجتماعی آماده کند. همچنین انجمن های خیریه به حمایت مادی و معنوی از زنان و دختران آسیب دیده که نیازمند کمکهای خاص هستند، اقدام می کنند. (علی نژاد، غزل، نقطه ایده آل حمایت از زنان بد سرپرست و بی سرپرست، معاونت امور زنان و خانواده، اردیبهشت ۱۴۰۰)

حمایت قانونی از زنان

در ایران قبل از اسلام، زنان، شخصیت اجتماعی و صلاحیت معاملات حقوقی نداشته اند و رأی مرد درباره آنها نافذ بوده است. زنان حق رأی و اختیار و تشخیص خیر و شر در زندگی خود نداشته است. (استاد مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۵۱) در تاریخ گذشته ایران مانند سایر جهان زنان نقش کمتری در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود داشتند اما بعد از انقلاب اسلامی و حاکمیت دیدگاه شرعی و اجتهادهای فقهی امام خمینی (ره) و سایر فقیهان معاصر، بتدریج زنان در صحنه اجتماعی و سیاسی وارد شدند و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حمایت از حقوق زنان، مورد توجه واقع گردید.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد. در این قانون نیروی انسانی زن که در نظام طاغوتی در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بود هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می یابد و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که از قبل متحمل شده اند ضرورت استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف نموده حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را تأمین نماید. زیرا امنیت افراد جامعه یکی از اصولی ترین ویژگی نظام حقوقی اسلام است. هم چنین بر رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای زن و مرد، در تمام زمینه های مادی و معنوی تأکید دارد.

در این اصل بر مشارکت زنان در تعیین سرنوشت سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش اشاره شده و تسهیل و تعمیم آموزش عالی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی برای همه چه زن و چه مرد در تمام سطوح جزو وظایف

دولت شمرده شده است.. همچنین برطبق اصل چهارم قانون اساسی « کلیه قوانین و مقررات مدنی ، جزایی ، مالی ، اقتصادی ، اداری ، فرهنگی ، نظامی ، سیاسی و غیراینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد .» در اصل بیستم قانون اساسی همه افراد ملت اعم از زن و مرد بطور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و یکم قانون اساسی معطوف به حقوق زن است دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید. (نشست پژوهشی ، زنان سرپرست خانوار نیازمند حمایت مسئولان ، خبرگذاری صدا و سیما ، مرداد ۱۳۹۶) ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی سرلوحه وظایف دولت است. حمایت از مادران به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و پشتیبانی از کودکان بی سرپرست وظیفه دیگری است که به دوش دولت گذاشته شده است. ایجاد و امنیت قضایی دو اصول دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای همگان مورد تاکید قرار گرفته اما در این اصل با ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده امنیت ویژه‌ای برای حضور زنان در محاکم و دادرسی را فراهم نموده است. ضمن آنکه بیمه خاص برای زنان سالخورده و بی سرپرست و زنان بیوه از سوی دولت باید تأمین گردد. علاوه بر تأمین حقوق مادی زن در اصل بیست و یکم به ابعاد عاطفی و احساسی و معنوی زن توجه شده و در مواردی قیومیت فرزندان به مادران اعطا می‌شود زیرا عواطف و احساسات پاک مادری از قوی ترین عواطف انسانی است. (شعبانی، ۱۳۹۱، ص ۹۸-۹۹).

علاوه بر قانون اساسی ، **قانون کار جمهوری اسلامی ایران** مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ نیز در بندهای مختلف ، به اشکال گوناگون از زنان کارگر حمایت کرده است . برای مثال بر ممنوعیت ارجاع کارهای سخت و زیان آور به زنان ، ممنوعیت کار شب برای زنان ، ممنوعیت کار برای زنان باردار از شش هفته قبل از زایمان تا چهار هفته بعد از آن و پیش بینی مرخصی با حقوق برای دوران بارداری و زایمان زنان و پرداخت دستمزد مساوی برای زنان و مردان در صورت انجام کار مساوی در شرایط مساوی می باشد . (وحیده نگین ، مشاور وزیر کار در امور زنان و خانواده ، حمایت از زنان و دختران ، ۱۳۹۹ /۱۲/۹) لذا باتوجه به جایگاه زن در قانون اساسی شورای عالی انقلاب فرهنگی، به پیشنهاد شورای فرهنگی اجتماعی زنان در سال ۱۳۸۳ **منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان** در نظام جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد که این منشور با الهام از شریعت اسلامی و مبتنی بر قانون اساسی تدوین گردیده است و در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی در مجلس تصویب و به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسید. در قانون مذکور حقوق فردی زنان مورد توجه ویژه قرار گرفته، حق برخورداری از زندگی شایسته و سلامت جسمانی و روانی و پیشگیری در مقابل هرگونه بیماری و حادثه و یا تعدی منظور شده است. آزادی اندیشه و مصونیت از تعرض و عدم امنیت در داشتن اعتقاد به‌عنوان حق محفوظ بوده است. مصونیت جانف مال و حیثیت زنان و زندگی خصوصی آنان از تعرض غیرقانونی و حق برخورداری از عدالت اجتماعی در اجرای قانون بدون لحاظ جنسیت تأکید گردیده است. حتی زنان پیرو مذاهب اسلامی و اقلیت‌های دینی در انجام مراسم و تعلیمات دینی و احوال شخصی خود

وفق آئین خود در نظر گرفته شده است و زنان ایرانی در استفاده از پوشش و گویش‌های بومی آزاد هستند و از جمله حقوق فردی زنان حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم است.

درباره‌ی حقوق و مسئولیت‌های دختران باید گفت که آنان حق برخوردارگی از سرپرستی شایسته توسط والدین و حق برخوردارگی از مسکن، پوشاک، تغذیه سالم و کافی، تسهیلات بهداشتی جهت تأمین سلامت جسمانی و روانی آنان مورد عنایت ویژه قرار گرفته و در ابعاد تعلیم و تربیت تمهیداتی اندیشیده شده است. همچنین نیازهای عاطفی و روانی و برخوردارگی از رفتار ملاطفت‌آمیز والدین و مصونیت آنان از خشونت‌های خانوادگی، عدم تبعیض بین دختر و پسر و حمایت و نظارت حکومت از دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست از جمله حقوق مصرح در این قانون است. زنان در هنگام ازدواج و تشکیل خانواده حقوق و مسئولیت‌هایی دارند که حق تعیین شروط ضمن عقد و ضمانت اجرایی شروط مندرج در حین زندگی مشترک، حق ثبت رسمی ازدواج، برخوردارگی زن از حقوق مالی در ایام زوجیت مانند مسکن مناسب، هزینه‌های جاری اعم از خوراک، پوشاک، هزینه درمان بیماری، هزینه‌های ایام بارداری و شیردهی فرزند و پشتوانه مالی تحت عنوان مهریه یا کابین زن از جمله حقوق ضروری و اولیه ازدواج است. حقوق زنان در هنگام انحلال و متارکه از نکات قابل توجه در این قانون است. زن در صورت عدم امکان سازش پس از مراجعه به دادگاه صالح حق جدایی از همسر را دارد. ضمن این‌که از حقوق مادی خود بهره‌مند می‌شود. در خصوص **حضانت** و نگهداری فرزند تا سن ۷ سالگی، حق و مسئولیت با مادر است و حمایت مالی از سوی پدر و در صورت انقضای یا اسقاط دوران حضانت، حق ملاقات با فرزند محفوظ است. در بند ۴۵ این قانون حق طرح دعوا در محاکم جهت ممانعت از ازدواج مجدد همسر مطمع نظر بوده و در راستای ضمانت اجرایی شروط ضمن عقد، در صورت جدایی نصف دارایی مرد به زن داده می‌شود و حق برخوردارگی زن از حقوق مادی خویش در نظر گرفته شده است.

همچنین در قوانین موضوعه دیگر مانند **قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست**، قانون مدنی، لایحه قانون راجع به تشکیل سازمان بهزیستی، سند چشم انداز بیست ساله، سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در خصوص برنامه پنج ساله ششم توسعه، قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، سیاست‌های کلی جمعیت و سلامت ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، قانون جامع حمایت از معلولان، قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، قانون افزایش پوشش توانبخشی و حمایتی معلولان و زنان سرپرست خانوار، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست، قانون مبارزه با مواد مخدر و.. هرکدام به فراخور موضوعات و نیازهای به وجود آمده، بر حمایت از زنان و دختران تأکید دارند.

مهمترین اقدامات در زمینه **مساعدت‌های اجتماعی** عبارتند از: شناسایی دختران و زنان نیازمند حمایت، پرداخت کمک هزینه تحصیلی، تأمین ودیعه مسکن زنان، آگاه‌سازی و آموزش زنان و دختران، آموزش‌های ازدواج و پایداری خانواده، غربالگری سلامت، حمایت از خانواده‌ها و زنان دارای فرزند چند قلو، حمایت غذایی مادران باردار و شیرده، ایجاد پنجره واحد خدمات رفاهی به زنان سرپرست خانوار، حمایت‌های اجتماعی در بلایای طبیعی، ایجاد

خانه امن زنان، ایجاد خانه سلامت دختران، ایجاد مرکز اورژانس اجتماعی کشور، مداخلات مددکاری اجتماعی، درمان و بازتوانی معتادان خصوصاً زنان و دختران و ایجاد پایگاه‌های خدمات اجتماعی در مناطق محروم. (وحیده‌نگین، مشاور وزیر کار در امور زنان و خانواده، حمایت از زنان و دختران، ۱۳۹۹/۱۲/۹) علاوه بر این غیر از افرادی که نیاز به کمک دائمی دارند، تصمیم‌گیران حوزه رفاه و حمایت‌های اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، کمک به ا فشار آسیب‌پذیر برای خروج از چرخه حمایتی است. بسیاری از زنان و دختران آسیب‌دیده در صورت آموزش‌های لازم و کسب مهارت‌های شغلی، می‌توانند روی پای خود بایستند و از چرخه حمایتی خارج بشوند.

به همین دلیل اقداماتی برای توانمندسازی و ارتقای سطح مهارت زنان و دختران باهدف ورود آنها به باز کار صورت گرفته است از جمله: حمایت از مشاغل خانگی، توانمندسازی اقتصادی زنان و دختران از طریق تسهیلات صندوق کار آفرینی امید، تامین منابع مالی خرد و ایجاد زمینه اشتغال زنان و دختران، آموزش مهارت‌های شغلی و کار آفرینی و حمایت از تعاونی‌ها، می‌باشد همچنین در زمینه بیمه‌های اجتماعی زنان و دختران کارگر شهری، بیمه بازماندگان و بیمه بیکاری و بیمه اجتماعی زنان و دختران روستایی و عشایر برای زنان و دختران انجام می‌شود (همان)

قوانین موضوعه در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر پایه فقه امامیه اصلاح یا تدوین شده است. در این مدت تعدیل‌هایی در حمایت از زنان خانواده به انجام رسیده که درخور تحسین است، به نظر می‌رسد جایگاه و حقوق زن در قوانین ملی ایران طی سه دهه گذشته ارتقاء قابل توجهی یافته است مانند: ۱- قانون عائله مندی که بر اساس آن زنان مطلقه یا بیوه و یا زنانی که همسر از کار افتاده دارند حق عائله مندی دریافت می‌کنند. (قانون نظام هماهنگ پرداخت، مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳) ۲- قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست. (مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ و مرداد ۱۳۷۴) ۳- امکان طلاق از جانب زن با شرط ضمن عقد (قانون مدنی، ماده ۱۱۱۹) ۴- ممنوعیت ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور به زنان. (قانون کار، ماده ۷۵، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹) ۵- ممنوعیت کار شب برای زنان. (قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹) ۶- ممنوعیت کار برای زنان باردار از ۶ هفته قبل از زایمان تا ۴ هفته بعد از آن. (قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹) ۷- پیش‌بینی جمعا ۹۰ روز مرخصی با حقوق برای دوران بارداری و زایمان زنان. (قانون کار، ماده ۷۶، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹) ۸- پرداخت دستمزد مساوی برای زنان و مردان در صورت انجام کار مساوی در شرایط مساوی. (قانون کار، ماده ۳۸، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹) ۹- منشور حقوق زنان و مسوولیت‌های زنان مصوب ۱۳۸۵ و نمونه‌های فراوان دیگر.

در قانون مدنی برطبق ماده ۳۰ ق.م. «هرمالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد» در این ماده کلمه «مالک» عام است و شامل زن و مرد می‌باشد. همچنین در ماده ۱۱۱۸ ق.م. در خصوص تصرفات زن آمده «زن مستقلامی تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد، بکند»

و این درحالی است که حقوق و مزایای مالی مردان باید صرف خرج خود و افراد تحت تکفل او گردد و اگر این مخارج را تامین نکند مورد تعقیب و پیگرد قرار می‌گیرد (ماده ۱۱۱۱ ق.م. و مستند کیفری آن ماده ۶۴۲ ق.ا.م.)

نتیجه: سیاست‌گذاری‌ها، قانونگذاری‌ها و طرح‌های اجرایی مرتبط با زنان باید توجه به صیانت و پاسداری از هویت انسانی زنان مسلمان کشورمان و تلاش در جهت ارتقای جایگاه و شخصیت آنان در خانواده و اجتماع باشد. (آسیب‌شناسی مسائل زنان، مهم‌ترین مسأله امروز زنان چیست؟ منبع حوراء شماره ۲۵) آنچه در اینجا بسیار مهم است این است که: چرا علیرغم آیات و روایات در زمینه حمایت مالی زنان و تمامی حمایت‌های قانونی اعم از قانون اساسی و قوانین مدنی و قانون حمایت از خانواده و حقوق مالی زنان اعم از مهریه و نفقه و نحله و اجرت‌المثل و... بازهم می‌بینیم که وضع معیشتی زنان مطلوب نیست؟ چرا در یک جا تعارض هست و در جای دیگر حمایت! بر طبق گفته اتاق بازرگانی میزان افزایش هزینه خوراکی‌ها در سال گذشته هفتاد درصد بوده و هزینه اساسی زندگی یک خانوار چهار نفره در ماه به شش میلیون و هشتصد هزار تومان رسیده است و با اضافه شدن دیگر هزینه‌ها، بودجه ماهانه خانوار باید رقمی بالاتر از این باشد. البته تأکید بر هزینه اساسی است (تحلیل اتاق بازرگانی ایران از وضعیت اقتصادی، هزینه یک خانواده چهار نفره چقدر است؟ اقتصاد آنلاین، خرداد ۱۴۰۰) بنا بر این دولت باید از زنان، بویژه زنان سرپرست خانوار حمایت کند تا بتوانند زندگی شرافتمندانه‌ای داشته باشند تا بتوانند به رسالت خودشان که تربیت فرزندان است، بپردازند.

استقلال مالی زنان و چالش‌های پیش رو

نکته‌ای که در اینجا بسیار مهم می‌باشد در ابتدا آگاهی دادن به زنان و مردان در مورد حقوق خودشان و حقوق متقابلشان نسبت به یکدیگر است و اینکه هر کدام باید به حقوق طرف مقابل احترام بگذارد زیرا اینکار باعث جلوگیری از آسیب زدن بیشتر به یکدیگر است (آسیب‌شناسی مسائل زنان، مهم‌ترین مسأله امروز زنان چیست؟ منبع حوراء شماره ۲۵) نکته مهم دیگر این است که سازوکارهای حمایتی از زنان و خصوصاً زنان سرپرست خانوار در جامعه ما کم نیستند اما آنچه باعث باقی ماندن معضل شده است، بی‌توجهی برخی دستگاهها به اجرای قوانین وضع شده در این زمینه است. در نشست پژوهشی که توسط خبرگزاری صدا و سیما تحت عنوان «زنان سرپرست خانوار نیازمند حمایت مسئولان» در مرداد ۱۳۹۶ صورت گرفت ماحصل این نشست پژوهشی این بود که: تصویب بسته‌های حمایتی ویژه خانواده‌های سرپرست در شورای اجتماعی کشور تدوین شد و با عنوان «اقدام و عمل ویژه زنان سرپرست خانوار» در مجلس تصویب شد و در این طرح نگاه، صرف حمایت مادی از این قشر برداشته شده و با نگاه حمایتی به این قشر تکمیل می‌شود و سازمان بهزیستی به عنوان متولی ملی زنان سرپرست خانوار تعیین شد (نشست پژوهشی، زنان سرپرست خانوار نیازمند حمایت مسئولان، خبرگزاری صدا و سیما، مرداد ۱۳۹۶) در برنامه‌های سوم توسعه مواد (۵۶ و ۱۵۸) برای توانمندی زنان سرپرست خانوار اختصاص داده شده است. ماده ۵۶ در اجرای بند ۲ اصل چهارم و سوم قانون اساسی نظام بانکی کشور موظف است در طول سالهای برنامه سوم به نحوی برنامه ریزی کند که زنان بیکار سرپرست خانوار بتوانند وام دریافت کنند. ماده ۱۵۸ که مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف است در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده اقداماتی از قبیل بهره‌گیری از خدمات مختلف اجتماعی

زنان در زمینه‌های مالی، حقوقی، مشاوره‌ای، آموزشی و ورزشی طرح‌های لازم با اولویت دادن به زنان سرپرست خانوار، به عمل آورد.

و در برنامه چهارم توسعه مواد (۳۰، ۶۹، ۷۹) به منظور توانمندسازی زنان سرپرست خانوار اختصاص داده شده است. ماده ۳۰ شامل دادن یارانه کارمزد تسهیلات بانک مسکن به این زنان و ماده ۶۹ شامل تامین خاص برای حمایت از این زنان و ماده ۷۹ شامل تدوین طرح جامع توانمندسازی زنان خود سرپرست می‌باشد. همچنین در برنامه پنجم توسعه ماده ۲۳۰ و ۳۹ به منظور توانمندسازی این زنان اختصاص داده شده است. ماده ۲۳۰ در جهت ساماندهی مشاغل خانگی و ماده ۳۰ در جهت توانمندسازی این زنان با استفاده از منابع بودجه عمومی دولت و کمک‌های مردمی است. و ماده ۹۵ برنامه توسعه ششم در جهت اجرای کامل توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تا پایان برنامه است. نشست پژوهشی، زنان سرپرست خانوار نیازمند حمایت مسئولان، خبرگزاری صدا و سیما، مرداد ۱۳۹۶) همچنین به گزارش ایرنا دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۰ رشد مطلوبی را برای بودجه معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری پیش‌بینی کرده است که نسبت به گذشته از رشد ۳۳ درصدی برخوردار است اگر چه این رشد قابل توجه است اما این رشد با ظرفیت ۵۰ درصدی زنان در جامعه همخوانی ندارد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، بودجه ۱۴۰۰ برای توسعه امور زنان و انتظارات بانوان، آذر ۹۹) در بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور، ردیف‌های حمایتی از زنان سرپرست خانوار ۲۳ درصد از کل اعتبارات حوزه زنان و خانواده را به خود اختصاص داده است. و در بررسی تبصره‌های ماده واحده در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ ارائه تسهیلات قرض الحسنه به طرح‌های مددجویی با اولویت زنان سرپرست خانوار می‌باشد اما سهم دولت برای بیمه زنان سرپرست خانوار و بد سرپرست در کنار بیمه اقشار خاص مانند رانندگان و قالیبافان و... به صورت کل گنجانده شده و سهم بیمه زنان سرپرست خانوار و بد سرپرست دارای ابهام است که در صورت رفع این ابهام می‌تواند راهگشای این مسئله بشود. (باجلان، اکرم، بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور ۳۶. بودجه حوزه زنان و خانواده، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دی ۱۳۹۹) مشارکت واقعی زنان در فرآیند توسعه و رویکرد جنسیتی در سرشماری و استخراج آمار آن می‌تواند از عوامل توانمندسازی زنان محسوب شود (توانمندسازی زنان نیازمند برنامه ریزی و برخورداری از آمار دقیق است، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، مهر ۱۴۰۰)

تحقیقات و تجربه نشان داده است که میزان فقر در زنان بالای شصت و پنج سال بیشتر از مردان است و در این سن شخص ممکن است دچار مشکلاتی از قبیل از دست دادن همسر بشود پس استقلال مالی زن در این مواقع ضروری می‌باشد بنابراین این افراد در هنگام مواجهه با این قبیل موارد ناگهان احساس درماندگی می‌کنند و باید خودشان مدیریت زندگی را برعهده بگیرند و با برنامه ریزی صحیح و بموقع اقدام به حمایت از خودشان بکنند. خداوند متعال مردان را رئیس و سرپرست خانواده خود قرار داده است و اطاعت آنان را بر همسرانشان واجب کرده است، اما این ریاست مردان در خانواده به معنای برتری در همه جهات نیست و به این معنی نیست که تصرفات زن در دارایی و اموال خودش نافذ نباشد. در اسلام نه تنها به زنان و مردان اجازه کسب مال و درآمد داده شده بلکه به حضور در صحنه اقتصاد دعوت شده اند. دستورات اسلام هیچگونه منافاتی با حقوقی که اسلام برای مردان به عنوان شوهر و سرپرست خانواده تعیین کرده

است، ندارد زیرا حقوق و اختیارات مرد به عنوان شوهر و سرپرست خانواده، در محدوده اداره خانواده و مسائل زناشویی و تربیت فرزند است و در مواردی که بین زن و شوهر اختلاف نظر بوجود می آید با هم مشورت کنند و هرکدام که توانایی تصمیم گیری صحیح تری دارد، به عنوان تصمیم گیرنده در نظر گرفته شود و در مواقع لزوم از اختیارات ویژه ای هم برخوردار باشد هرچند که طبق آیه ۳۴ سوره نساء این سرپرستی برعهده مرد گذاشته شده است. علامه طباطبایی در این مورد میفرماید: سرپرستی مرد نسبت به همسرش به این معنا نیست که زن در حفظ حقوق فردی و اجتماعی خود و دفاع از آن و رسیدن به آن مستقل نباشد و یا اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است، نافذ نباشد، بلکه به معنی این است که باید زنان در هرچه که مربوط به بهره مندی زناشویی است، مطیع همسر خود باشند و در غیاب همسر حافظ عفاف خویش و اموال و زندگی همسرشان باشند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۳۰) بنابراین سرپرستی مردان نسبت به زنان مانع از بهره مندی زنان از حقوق فردی و اجتماعی و استقلال مالی زنان نمی شود.

در گذشته براساس رسوم متداول نقش زن و مرد در خانواده این بود که مرد مسئول تامین درآمد و زن مسئول انجام کارهای خانه و تربیت و نگهداری از فرزندان بود اما وقتی که زن و مرد هر دو بیرون از خانه کار می کنند و زنان اغلب دچار مسئولیت دوگانه ای می شوند از طرفی مسائل مربوط به دخل و خرج موجب اختلاف زن و شوهر می شود. بنابراین استقلال مالی زنان یکی از تغییرات بزرگی است که با خودش چالش هایی را به همراه دارد. اغلب مردان با استقلال مالی زنان مخالف هستند و معتقدند که استقلال مالی و اشتغال زنان در بسیاری از موارد باعث به هم خوردن نظم زندگی می شود. شاید استقلال مالی زنان مثبت به نظر می رسد اما هر تغییر و تحولی اگر به درستی مدیریت نشود باعث بروز مشکلاتی برای افراد می شود. از آنجا که زنان دارای استقلال مالی، از آزادی عمل بیشتری برخوردار هستند و و این امر در زندگی آنها تاثیر زیادی برجا می گذارد. زنانی که درآمد خوبی دارند معمولاً از رضایت درونی برخوردار هستند زیرا در اینصورت احساس می کنند که کارآمد هستند و می توانند در تامین نیازهای خود و اطرافیانشان کمک کنند. از طرفی این استقلال به آنان اعتماد به نفس بالاتری می بخشد و خیال آنان را از بابت پرداخت قسط و مخارج خانه راحت می شود و راحتتر میتوانند خرید کنند و این امر به آنان اعتماد به نفس بیشتری می بخشد. همچنین این امر باعث اجتماعی تر شدن زنان و معاشرت آنان با افراد مختلف می شود و باعث تبادل تجربیاتشان با دیگران میشود و مهارت های ارتباطی جدیدی کسب می کنند و این موارد باعث می شود که روابط زن و شوهر در خانواده دچار چالش نشود. بنابراین سرپرستی مردان نسبت به زنان مانع از بهره مندی زنان از حقوق فردی و اجتماعی و استقلال مالی زنان نمی شود و این موارد باعث می شود که روابط زن و شوهر در خانواده دچار چالش نشود. از طرفی هر شخصی ممکن است روزی پشتوانه مالی خود را از دست بدهد و این موضوع در مورد زنان نیز اتفاق می افتد و ما در طول زندگی با اینگونه افراد مواجه شده ایم و در صورتی که این فرد یک زن باشد و باید از نظر مالی تامین بشود بنابراین لازم است که زنان از این نظر بی نیاز باشند و وابسته به اطرافیانشان نباشند تا شأن آنها حفظ بشود. در اغلب موارد دیده شده است که زنان با از خودگذشتگی، زندگی شان را صرف بزرگ کردن فرزندان و نگهداری از آنان و رسیدگی به امور همسر و منزل کرده اند و حتی نگهداری از افراد

سال‌مند خانواده نیز به عهده آنان بوده است و وقت کمتری را صرف خود و کسب مهارت و یا درآمد کرده اند، بنابراین زنان باید از پشتوانه مالی و یا پس انداز قابل اعتمادی برخوردار باشند تا در هنگام نیاز و یا درماندگی به آن تکیه کنند.

نتیجه گیری

سیاست گذاری ها، قانونگذاری ها و طرح های اجرایی مرتبط با زنان باید توجه به صیانت و پاسداری از هویت انسانی زنان مسلمان کشورمان و تلاش در جهت ارتقای جایگاه و شخصیت آنان در خانواده و اجتماع باشد. (آسیب شناسی مسائل زنان، مهم ترین مسأله امروز زنان چیست؟ منبع حوراء شماره ۲۵) آنچه در اینجا بسیار مهم است این است که: چرا علیرغم آیات و روایات در زمینه حمایت مالی زنان و تمامی حمایت های قانونی اعم از قانون اساسی و قوانین مدنی و قانون حمایت از خانواده و حقوق مالی زنان اعم از مهریه و نفقه و نخله و اجرت المثل و... بازم می بینیم که وضع معیشتی زنان مطلوب نیست؟ چرا در یک جا تعارض هست و در جای دیگر حمایت! بر طبق گفته اتاق بازرگانی میزان افزایش هزینه خوراکی ها در سال گذشته هفتاد درصد بوده و هزینه اساسی زندگی یک خانوار چهار نفره در ماه به شش میلیون و هشتصد هزار تومان رسیده است و با اضافه شدن دیگر هزینه ها، بودجه ماهانه خانوار باید رقمی بالاتر از این باشد. البته تاکید بر هزینه اساسی است (تحلیل اتاق بازرگانی ایران از وضعیت اقتصادی، هزینه یک خانواده چهار نفره چقدر است؟ اقتصاد آنلاین، خرداد ۱۴۰۰) بنا بر این دولت باید از زنان، بویژه زنان سرپرست خانوار حمایت کند تا بتوانند زندگی شرافتمندانه ای داشته باشند تا بتوانند به رسالت خودشان که تربیت فرزندان است، بپردازند.

در شریعت الهی حقوق مالی و اقتصادی زنان با توجه به ارزش و کرامت زنان تعیین شده است تا عزت نفس زنان حفظ بشود و با کرامت آنان سازگار باشد. اسلام با وضع مقررات مالی و اقتصادی شایسته در مورد زنان، به آنان آزادی و امنیت بخشیده است و سلامت مادی و معنوی آنان را در زمینه فردی و اجتماعی تامین کرده است و آنان را از احترام ویژه برخوردار کرده است تا آنان بتوانند به وظیفه مهم خود در قبال خانواده بپردازند. زنان به عنوان یکی از ارکان خانواده، بر شرایط اقتصادی خانواده تاثیر گذار هستند، این تاثیر می تواند هم به صورت مستقیم بر اقتصاد خانواده که در قالب کار و فعالیت اقتصادی بیرون از خانه و مدیریت منزل باشد و هم می تواند به صورت غیر مستقیم از طریق تاثیر فرهنگی که ناشی از نقش مادر به عنوان مربی و الگو برای فرزندان است، باشد و در حقوق ایران نیز به پیروی از فقه شیعه، نظام مالی همسران از زمان تدوین قانون مدنی ثبات نسبی داشته است. با توجه به مطالب ذکر شده نتایج زیر حاصل می شود: الف. با استناد به آیه ۳۲ سوره نساء "لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ" هر یک از زن و مرد از آنچه اکتساب کنند بهره مند میشوند....". و روایت های وارد شده در این مورد از نظر شرع مقدس اسلام زنان بدون هیچ قید و شرطی مالک درآمد خود هستند البته به نحوی که مطابق شأن زن و رعایت مصالح خانواده باشد (طبق ماده ۱۱۱۷ ق.م.همچنین پیامبر اکرم (ص) می فرماید: "به درستی که همه انسان ها بر اموال خودشان تسلط دارند (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۷۲) ب. از نظر اسلام مهریه هدیه به زن است و باعث بقای خانواده و مانع از فروپاشی آن

است و باعث تعادل اقتصادی است و نوعی احساس امنیت اقتصادی و پشتوانه زن است. ج. بر طبق آیات قرآن و روایات متعدد یکی از حقوق مسلم زن می باشد که برعهده مرد است و در صورت تمکین زن از مرد، زن مستحق نفقه است و این امر بعد از طلاق و در مدت عده هم، برعهده مرد است. د. آثار و تبعات مثبت و منفی استقلال مالی و اقتصادی زنان در همه افراد یکسان نیست و براساس فرهنگ افراد و در شرایط مختلف شکل می گیرد. ثروت و مال و داشتن منابع مالی بیشتر، می تواند زندگی مرفه تری را برای افراد به بار بیاورد و این استقلال مالی زنان را در بسیاری از هزینه های شخصی و خانوادگی بی نیاز می سازد. ه. در صورت داشتن استقلال مالی، زنان می توانند به اقوام و دوستان خود هم کمک کنند و بدون اجازه از همسر یا پدر از مال و دارایی خودشان بهره ببرند و این امر موجب ایجاد اعتماد به نفس در زنان می شود و باعث رفع نگرانی آنها از نظر مالی در آینده می شود. و. در مواقعی که درآمد شوهر تامین کننده مخارج زندگی نباشد، زنان می توانند برای حمایت از خانواده شان کمک کنند. ز. استقلال مالی زنان باعث می شود که آنها نیز سختی پول در آوردن را درک می کنند و نسبت به خرج کردن پول حساسیت بیشتری به خرج می دهند و به رشد اقتصادی خانواده کمک می کنند. ح. استقلال مالی می تواند محاسن و معایبی را برای بعضی از افراد داشته باشد مثلاً گاهی اوقات ممکن است این امر موجب این گمان در بعضی از زنان بشود که به دلیل استقلال مالی نیازی به حمایت مالی شوهر ندارند و این امر ممکن است منجر به سست شدن ستون خانواده بشود. ط. استقلال مالی زنان ممکن است این توقع را برای مردان ایجاد کند که از اموال زن بهره ببرند و در صورت مخالفت زن می تواند در بعضی خانواده ها باعث بروز اختلاف بشود. ی. گاهی اوقات استقلال مالی زنان ممکن است باعث اختلاف برسر مسائل مالی بشود و این امر باعث ایجاد گسل عاطفی بین زن و شوهر می شود همچنین گاهی اوقات در صورت منت گذاشتن زن بر شوهر می تواند باعث تیرگی روابط زناشویی بشود. ک. همچنین عدم وابستگی مالی زن به شوهر و استقلال مالی او ممکن است در بعضی موارد باعث ایجاد میل به جدایی از شوهر در زندگی خانوادگی بشود. ل. از آنجا که اختلاف نظر در همه خانواده ها هست باید راه حل مناسبی توسط زن و شوهر برای مدیریت این مسئله انجام بشود. (استقلال مالی زن و استحکام خانواده، آمنة انتصاری، مجله پیام زن، ش ۲۷۸، ۱۳۹۴) برطبق ماده ۱۱۱۸ ق.م. زن مالک اموال خود می باشد و مستقلاً می تواند در دارایی خود هر تصرفی بنماید و شوهر حق هیچگونه دخل و تصرفی در آن ندارد. م. استقلال مالی زنان باعث می شود تا زنان نگاه واقعی تری نسبت به مخارج منزل داشته باشند و در زمان مشکلات مالی اعضای خانواده، حامی آنها باشند و نوع ارتباط زن با همسرش به خاطر وابستگی مالی دچار چالش نمی شود. ن. برای رفع اختلافات مالی و مخارج زندگی، زن و شوهر می توانند میزان مشارکت مالی خود را مشخص کنند در این صورت دیگر اختلافی بین زن و شوهر بوجود نمی آید. ت. برطبق اصل بیستم قانون اساسی همه افراد ملت اعم از زن و مرد بطور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. و اصل بیست و یکم قانون اساسی معطوف به حقوق زن است دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین

نماید. س. در مورد حقوق مالی زنان در اسلام باید گفت که زنان حق تصرف کامل در اموال خود را دارند و هیچکس نمی‌تواند این حق را از آنان سلب کند. و اگر در بعضی موارد مانند ارث سهم کمتری به آنان تعلق می‌گیرد به این دلیل است که زنان وظیفه تامین مخارج را بر عهده ندارند و این مسئولیت با مردان می‌باشد. ع. داشتن دیدگاه انعطاف پذیر و مشارکت در انجام امور منزل یکی از راههایی است که باعث ایجاد روابط صحیح در خانواده می‌شود. ف. تقسیم کار و تنظیم بودجه بندی و درآمدهای خانواده باید به گونه ای باشد که از بروز اختلاف در بین زوجین جلوگیری می‌کند. ض. تعیین مخارج ضروری و اداره امور مالی خانواده بر اساس اولویت‌ها و پس انداز نیز به رفع اختلافات کمک می‌کند. ق. از آنجاکه منافع مالی زن در درون خانواده در جایگاه مادر و همسر مورد توجه می‌باشد بنابراین زنان نیز به تشکیل خانواده و امر ازدواج تشویق می‌شوند. ر. تحقیقات و تجربه نشان داده است که میزان فقر در زنان بالای شصت و پنج سال بیشتر از مردان است و در این سن شخص ممکن است دچار مشکلاتی از قبیل از دست دادن همسر بشود پس استقلال مالی زن در این مواقع ضروری می‌باشد. ش. دولت باید از زنان، بویژه زنان خانه دار و سرپرست خانوار حمایت کند تا بتوانند زندگی شرافتمندانه ای داشته باشند تا بتوانند به رسالت خودشان که تربیت فرزندان است، بپردازند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶
۳. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جمال و جلال، انتشارات دارالهدی، ۱۳۷۸
۴. الحر العاملی، محمد بن الحسن، الوسائل الشیعه لتحصیل مسائل الشریعه، بیروت، موسسه آل البیت (ع)، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳هـ-
۵. دیانی، عبدالرسول، حقوق خانواده، تهران، میزان، ۱۳۸۷ ش

۶. الراغب الاصفهانی ، حسین بن محمد ، مفردات غریب القرآن ، بی جا ، دفتر نشر کتاب ،

۱۴۰۴ هـ -

۷. شهید ثانی ، زین الدین بن علی ، الروضة البهیة فی شرح اللمعة ، قم ، دفتر تبلیغات اسلامی

۸. صفایی ، سیدحسین ، واسدالله امامی ، حقوق خانواده ، تهران ، نشر دادگستر ، ۱۳۷۸ ،

چاپ دوم

۹. الطباطبایی ، محمد حسین ، المیزان فی تفسیر القرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیة ، الطبعة

الخامس ، ۱۳۷۲

۱۰. طبرسی ، فضل بن علی ، مجمع البیان ، تهران ، ناصر خسرو ، ۱۴۰۶ ق

۱۱. المجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار ، تهران ، دارالکتب الاسلامیة ، ۱۴۰۳ هـ -

۱۲. الموسوی الخمينی ، روح الله ، تحرير الوسيلة ، قم ، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة

المدرسين ، ۱۴۰۴ هـ -

۱۳. مطهری ، مرتضی ، نظام حقوقی زن در اسلام ، تهران ، صدرا ، چاپ سی و چهارم ،

۱۳۸۲

۱۴. مطهری ، مرتضی ، حقوق خانواده ، تهران ، انتشارات صدرا ، چ: سی و هشتم ، ۱۳۸۳.

۱۵. مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، قم ، دارالکتب الاسلامیة ، ۱۳۶۶

۱۵ . مكارم شيرازى ، ناصر، تفسير نمونه ، قم ، دارالكتب الاسلاميه ، ۱۳۶۶

۱۶ . النجفى ، شيخ محمد حسن ، جواهرالكلام فى شرح شرايع الاسلام ، بيروت ، داراحياء

التراث العربى ، الطبعه السابعة ، بي تا